



فهرست مطالب

از اعتصابات سراسری رانندگان و کامیون‌داران در ایران حمایت می‌کنیم.....	۲
یورش وحشیانه به کانون نویسندگان ایران.....	۳
نظام تقسیمات کشوری، جولانگاه اختلاس‌گران.....	۴
پیکار متحد مردم کازرون علیه گرازهای اسلامی و عقب‌نشینی رژیم.....	۵
درس‌هایی از مبارزات کارگری سال گذشته.....	۶
افتخار بر زنان قهرمان ایران.....	۱۰
گزارش نماینده زاهدان از فقر مردم سیستان.....	۱۱
هفته معلم، هفته همبستگی و اتحاد معلمان سراسر ایران.....	۱۲
شوخی تکنید آقایان، جهنم زیر پاهای شماست!.....	۱۳
گفتگویی با دکتر فریبرز رئیس‌دانا در مورد علت نوسانات بهای ارز (بخش پایانی).....	۱۴
در حاشیه سخنان زورگویانه و جنگ‌طلبانه مایک پومپئو، وزیر خارجه امریکا.....	۱۶
جبهه خلق برای آزادی فلسطین.....	۱۸
گزارشی از سالگرد تولد کارل مارکس در شهر تریر آلمان.....	۲۰
گشت و گذاری در فیسبوک پاسخ به یک پرسش.....	۲۱
پرسش و پاسخ در تلگرام.....	۲۳
فرخنده باد هفتاد و سومین سالروز پیروزی بر فاشیسم.....	۲۵



از اعتصابات سراسری رانندگان و کامیون‌داران در ایران حمایت می‌کنیم

رمز موفقیت هر اعتصاب، تشکل، اتحاد و پیوند آن با مطالبات
سایر زحمتکشان است

مبارزات کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان و به طور خلاصه کلیه اقشار و طبقات زحمتکش ایران، به ویژه پس از خیزش دیماه ۹۶ به صورت اعتصابات، اعتراضات* راه پیمایی، راه‌بندان‌ها، اجتماع در برابر مجلس، دادگستری، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و غیره تجلی داشته، رو به افزایش است. امری که از طرفی حاکی از گرانی سرسام‌آور و وخیم‌تر شدن وضع معیشتی طبقات و اقشار کم‌درآمد و از طرف دیگر بازگو کننده ماهیت سیاست‌های نئولیبرالی، سرکوب‌گرانه و غارت‌گرانه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است، که اساس و بنیان نظام‌اش بر ظلم و زور و تبعیض و چپاول و جنایت بنا گشته است.

اکنون ۱۱ روز است که از اعتصاب رانندگان کامیون و کامیون‌داران می‌گذرد. این اعتصاب از اول خرداد ماه آغاز گردید و به تدریج رو به گسترش گذاشت و به اعتصاب سراسری فراروئید.

مطالبات و خواسته‌های رانندگان و کامیون‌داران از دولت چنین‌اند:

۱. افزایش حداقل ۵۰٪ کرایه‌های داخلی و خارجی
۲. افزایش سهمیه سوخت ماهیانه، به گونه‌ای که راننده مجبور به تهیه گازوییل آزاد نباشد
۳. حذف نصب اجباری سپهرن توسط راهنمایی و رانندگی و احترام به حریم خصوصی رانندگان
۴. تصویب قانون جدید و کاهش درصد نرخ کمیسیون دریافتی باربری و پایانه‌ها از رانندگان از ۱۴٪ به ۷٪
۵. مستقر کردن دفتر نظارت بر کمیسیون دریافتی از رانندگان در پایانه‌ها، مخصوصاً کلان شهرها مانند: تهران، یزد، بندرعباس، کرمان، بندر امام و...
۶. تعیین نرخ کرایه بر اساس تن بر کیلومتر، که در این صورت حق راننده و صاحب بار کاملاً رعایت می‌شود.
۷. کاهش نرخ حق بیمه تأمین اجتماعی و تصویب مشمولیت مشاغل سخت و زیان‌آور برای رانندگان
۸. کاهش نرخ عوارض جاده‌ای
۹. کاهش نرخ مالیات سالانه کامیون
۱۰. تشکیل فراکسیون حمایت از صنعت بزرگ حمل و نقل جاده‌ای در مجلس

اعتصاب رانندگان و کامیون‌داران به رغم تهدید سران رژیم*، نظیر صادق آملی لاریجانی، رئیس قوه قضائیه، رانندگان مبنی بر اینکه «نظام فقط نظاره‌گر نخواهد بود و به شدت با آنان برخورد می‌کند»،

یورش وحشیانه به کانون نویسندگان ایران

**یورش وحشیانه مأموران امنیتی و انتظامی به جشن
پنجاهمین سال تأسیس کانون نویسندگان را قویاً محکوم
می‌کنیم**

روز جمعه چهارم خرداد ۱۳۹۷ مأموران امنیتی و انتظامی با یورش وحشیانه به جشن پنجاهمین سال تأسیس کانون نویسندگان ایران، مانع از برگزاری آن شدند و ضمن بازداشت اعضا گروه تدارک جشن، اموال کانون را به غارت بردند. حزب کار ایران (توفان) این عمل وحشیانه را، که نقض ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی و انسانی است به شدت محکوم می‌کند. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، که در بحران عمیق سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به‌سر می‌برد، به سیم آخر زده است و برای خروج از این مخمصه راهی جز تشدید سرکوب معترضین و شکستن قلم‌ها و خفه کردن هر صدای حق طلبانه و آزادی‌خواهانه‌ای نمی‌بیند. رژیم کوراندیش و ضدبشر جمهوری اسلامی همان راه سلف خود، رژیم منفور پهلوی را می‌پیماید و سرانجام به همان گورستانی پرتاب خواهد شد که شایسته اوست. در بخشی از بیانیه‌ای که کانون نویسندگان ایران در ۵ خرداد ۱۳۹۷ بدین مناسبت انتشار داده است چنین آمد:

«...چنین برخوردهایی که بیانگر نقض آشکار ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی است، بی‌سابقه نیست؛ از آن میان می‌توان به ممانعت از برگزاری مراسم یادبود احمد شاملو، محمد مختاری، محمد جعفر پوینده و علی اشرف درویشیان در سال‌های اخیر اشاره کرد. یورش به مراسمی در مکانی خصوصی و بدون اعلام عمومی با حضور جمعی از نویسندگان، ناشران، هنرمندان و کنشگران فرهنگی و اجتماعی و قرق چندین ساعته‌ی یک منزل مسکونی و کوچه و خیابان اطراف آن نشان از تشدید اعمال سرکوبگرانه‌ی حکومت جمهوری اسلامی دارد. طرفه اینکه چنین برخوردهایی در شرایطی صورت می‌گیرد، که حکومت پس از اعتراض‌های مردمی دی‌ماه گذشته، مدعی به رسمیت شناختن حق اعتراض و تجمع مخالفان و معترضان شده بود. بدیهی‌ست کانون نویسندگان ایران که نیم قرن است در راه سانسورستیزی و دفاع از آزادی اندیشه و بیان بی‌هیچ حصر و استثنا، متحمل رنج‌ها و زخم‌های فراوان شده و حتی شماری از اعضای فعال و سرشناس خود را از دست داده است، با چنین یورش‌هایی از ایفای نقش آزادی‌خواهانه و فرهنگی خود باز نمی‌ماند و نخواهد ماند. سرکوب‌گرانی که در نیم قرن گذشته کمر به نابودی کانون بسته بودند، اکنون کجایند؟ کانون اما همچنان هست، پنجاه سالگی خود را پشت سر گذاشته، به حیات سرفراز خود ادامه می‌دهد و شادا که با نسل جوان نویسندگان آزادی‌خواه روز به روز شکوفاتر و شاداب‌تر می‌شود.

کانون نویسندگان ایران هجوم به مراسم یادشده، غارت اموال کانون و ایجاد مزاحمت برای ساکنان خانه، همسایگان، مدعوین و پیامد آن را، که همانا چیزی جز سرکوب آزادی بیان و آزادی گردهمایی نیست، محکوم می‌کند. کانون برگزاری این گونه مراسم و گردهمایی‌ها را حق اولیه‌ی هر انسان و هر تشکلی می‌داند و از مجامع فرهنگی و اهل قلم و آزادی‌خواه در سراسر جهان می‌خواهد به برخوردهای سرکوبگرانه‌ی حکومت ایران اعتراض کنند و به دفاع از کانون نویسندگان ایران برخیزند.»

نه تنها فروکش نکرده است، بلکه در بسیاری از شهرهای ایران، از جمله در «نیشابور، خسرور شهر، بندر انزلی، خوی، یزد، کامیاران، قزوین، تاکستان، کرمانشاه، اراک، مروست، تهران، ارومیه، حسن آباد، دلیجان، چرمهین، اصفهان، بندر امام، تبریز، کنگاور، دهگلان، قهدریجان، علی آباد، بندرعباس، بیجار، شیروان، قاین، پیرانشهر، شهرضا، سبزوار، بروجرد، اردبیل، بوکان، مبارکه، نسیم شهر، مهاباد و الیگودرز، آمل، قائمشهر، ایلام، خرم‌آباد، بوشهر، مشهد، کرمان، ساری و همدان....» مورد حمایت و استقبال دیگر رانندگان کامیونداران قرار گرفت و این اعتصابات همچنان ادامه دارد.

حزب کار ایران (توفان) از مطالبات رانندگان و کامیونداران حمایت می‌کند و هرگونه تهدید و سرکوب و به‌گیروبه‌بندهای امنیتی نسبت به اعتصاب‌کنندگان را، که نشان از ضعف رژیم تهبکار سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است، شدیداً محکوم می‌کند.

اعتصاب سراسری کامیونداران و پیوستن دیگر اقشار و طبقات زحمتکش به این اعتصاب، سرانجام رژیم را وادار به عقب‌نشینی خواهد کرد و هر عقب‌نشینی، ولو کوچک، روحیه‌بخش و گامی به جلو خواهد بود. رشد جنبش کارگری، که ما در طول سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از خیزش قهرمانانه دیماه شاهد آنیم، نیروی بی‌سابقه‌ای به مبارزات مردم بر ضد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی خواهد بخشید و رهبری ظفربخش آنها را تأمین خواهد کرد. رمز موفقیت هر اعتصاب، تشکل و اتحاد و پیوند آن با مطالبات سایر زحمتکشان است و جز این نیست.

پیروز باد مبارزات سراسری رانندگان و کامیونداران ایران!
سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران!

زننده باد سوسیالیسم، این پرچم رهائی بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

جمعه ۱۱ خرداد ماه ۱۳۹۷

**امپریالیسم آمریکا، تروریست، جاسوس،
ناقض حقوق اساسی انسان‌ها و دشمن
شماره یک بشریت است**



نظام تقسیمات کشوری، جولانگاه اختلاس گران

نگاهی به اعتراضات محقانه مردم کازرون

این نکته را باید گفت و تکرار کرد که در کشور ما، ایران، هیچ امری از امور حاکمیت نیست که از دید مردم زحمتکش و دردمند ایران پوشیده به ماند و این می‌رساند که هر چیزی می‌تواند دستمایه مخالفت‌ها و اعتراضات مردم شود. اینبار «نظام تقسیمات کشوری» باعث شد تا مردم کازرون به خیابان بیایند. ظاهر امر این است که گویا «از دو سال پیش در شهرستان کازرون موضوعی در خصوص شهرستان شدن «کوه چنار» مطرح شده و اختلافاتی بین نماینده کازرون در مجلس شورای اسلامی و امام جمعه این شهر بوجود آمده است» که باز از قرار معلوم در اثر تحریکات امام جمعه کازرون مردم به خیابان ریخته‌اند و ایجاد «ناامنی» کرده‌اند. بنابر بهرام پارسائی، نماینده شیراز در مجلس، ریشه اعتراضات مردم کازرون نه صرف مخالفت آنان با این تقسیم کشوری، که «مسایل معیشتی و اقتصادی» است و آن را از جنس اعتراضات دیماه ۹۶ ارزیابی می‌کند. او می‌گوید: «معتقدم عامل اصلی این ناآرامی‌ها همان اعتراضاتی است که به طور کلی در بخش‌های دیگر جامعه هم می‌بینیم و شاهدیم که مردم نسبت به وضعیت معیشتی و اقتصادی و همچنین اوضاع اشتغال اعتراض دارند و به نظر می‌رسد مردم سعی می‌کنند با اتکاء به این

بهانه صدای خود را به گوش مسئولان به‌رسانند...». اظهارات بهرامی اگرچه بیان واقعیتی انکارناپذیر است، ولی او به شما نمی‌گوید که علت این «وضعیت معیشتی و اقتصادی» مردم چیست و از کجا منشأ می‌گیرد. اعتراف او نیمی از حقیقت را بیان می‌کند. نیمی دیگر که او به آن اشاره نمی‌کند، اهمیت و نقش ویران‌کننده عوامل رسمی و غیررسمی دستگاه دولتی است که تحت لوای «توسعه متوازن منطقه‌ای» از نظام تقسیمات کشوری وسیله‌ای ساخته‌اند برای تاراج منابع ملی کشور. در ادامه خواهیم دید که این عناصر حکومتی تا چه اندازه در وخیم‌تر شدن اوضاع مملکت نقش منفی و مخربی ایفاء کرده‌اند.

سردمداران نظام اما به این عادت کرده‌اند که اعتراضات و شورش‌های مردم را نتیجه «تحریکات خارجی» نشان دهند. اعتراضات خشونت‌آمیز در واقع نماد نارضایتی عمومی از وضع نابسامان کشور است که از نظم بازار سرمایه و اجرای سیاست‌های نئولیبرالی هیأت حاکمه منشأ می‌گیرد. هیأت حاکمه اما نمی‌خواهد به‌پذیرد که باعث و بانی این مصائب اجتماعی تنها خود اوست. نمی‌توان همه ناهنجاری‌های جامعه را به «تحریکات خارجی» مرتبط دانست و خود را پاک و منزّه جلوه داد. امپریالیسم و عوامل نهان و آشکار آنها همیشه به دنبال دخالت در امور کشورها هستند و از نارضایتی مردم سوء استفاده می‌کنند و گاه این اعتراضات توده‌ای را به آن سوئی می‌کشاند، که منافع خود را در آن تضمین شده به‌بینند. رژیم ایران اما از مردم می‌خواهد که در برابر این دزدی‌ها و اختلاس‌ها و سوء مدیریت‌ها و هزاران آلام اجتماعی دیگر سکوت کنند، لب از

پیکار متحد مردم کازرون علیه گرازهای اسلامی و عقب‌نشینی رژیم

اعتراضات برحق مردم کازرون به طرح تقسیم این شهرستان، که از فروردین ماه آغاز گردید، در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت ماه به درگیری‌های شدیدی منجر گشت، که در اثر آن تعدادی کشته، شماری زخمی و دهها نفر بازداشت شدند. این اعتراضات شبیه به اعتراضات کشاورزان اصفهان علیه بی‌دبیری و سیاست‌های ارتجاعی نظام آشفته و بحران‌زده حاکم است. مردم به خشم آمده کازرون وقتی پاسخ اعتراضات مسالمت‌آمیز و آرام خود را با سرکوب و گلوله گرفتند، به خشم آمدند و متحد و یکپارچه در «فلکه بنیاد شهید» این شهر به پاسگاه نیروی انتظامی حمله کردند و آن را به آتش کشیدند. مردمان خشمگین کازرون همچنین خودروی پاسگاه انتظامی را به آتش کشیدند. تظاهرات مردم کازرون، که هفته‌ها ادامه داشت، ریشه در نارضایتی عمومی مردم ایران دارد و هر موضوع اجتماعی حتی «غیرسیاسی» می‌تواند فوراً رنگ سیاسی به خود گیرد و به حریقی علیه کلیت نظام گنبدیده جمهوری اسلامی بدل شود. این اعتراضات خودجوش و عمومی، اگر فاقد تشکیلات و رهبری صحیح باشند، سرانجام سرکوب و یا در اثر نفوذ عناصر ارتجاعی به کج‌راه کشیده خواهند شد. باید هوشیار بود! ضمن پیکار علیه غفريت داخلی، دشمن خارجی را نیز از یاد نبرد و آگاهانه مبارزه را برای استقرار آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی به جلو برد.

سرانجام در ساعات پایانی روز جمعه ۲۸ اردیبهشت ماه ۹۷ مردم کازرون در «میدان سیما» دست به تجمع زدند و در پی انتشار خبر مربوط به عقب‌نشینی وزارت کشور از طرح تقسیم کازرون، مردم و جوانان شجاع این شهر به شادی خیابانی برای پیروزی‌شان بر اثر ایستادگی در برابر نیروهای امنیتی پرداختند. جوانان موتور سوار به خیابان آمده و با بوق زدن‌های ممتد، به شادی پرداختند. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، که یک رژیم ریاکار، سرکوبگر و ارتجاعی است، برای خواست‌های انسان‌ها هیچ ارزشی قابل نیست و بنابر منطق اسلامی‌اش، اساساً برای ابناء بشر فقط وظیفه به‌رسمیت می‌شناسد و نه حقوق. رژیم که هیچ گوش شنوا ندارد و ابتدایی‌ترین حقوق مردم را با چماق و گلوله و زندان پاسخ می‌دهد، به یکباره از نقض حقوق بشر در سایر ممالک سخن می‌گوید و این دوگانگی و بی‌شرمی، که دست کمی از بی‌شرمی و ریاکاری امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها ندارد، مورد اعتراض برحق مردم قرار می‌گیرد. در این فضای دود اندود و بر این زمین آلوده است که نیروهای ارتجاعی مدافع قتل عام ملت فلسطین به یکباره مدافع حقوق بشر و حقوق مردم کازرون می‌شوند و مذبوحانه می‌کوشند از این آب گلال‌آلود ماهی گیرند.

حزب ما از مبارزه برحق مردم کازرون و سراسر ایران علیه ظلم و ستم و گرانی و فقر و بیکاری و پیکار برای مطالبات دموکراتیک و آزادی احزاب و اجتماعات عمیقاً حمایت می‌کند.

حزب ما ضمن محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی و ابراز همدردی با خانواده‌های جانب‌اختگان اعتراضات اخیر همه نیروهای انقلابی و مردمی را به هوشیاری و پیکاری متحد علیه رژیم بربرمنش جمهوری اسلامی و افشای بی‌امان محافل سرسپرده امپریالیستی و صهیونیستی فرامی‌خواند. نباید فراموش کرد که زندان و اعدام و شکنجه در دستگاه جهنمی ساواک و ساواما دو روی یک سکه‌اند، دفاع بی‌شرمانه از هر یک از این دو نظام ضدبشر و ناقض حقوق بشر، توهین به حقوق بشر است، باید در مقابل آن ایستاد. ●

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران!

دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

حزب کار ایران (توفان)

شنبه ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

لب نه‌گشایند که مبدا دشمن خارجی از آن بهره‌برد. او آرامش را می‌خواهد برای حفظ وضع موجود، برای تداوم چپاول، برای حفظ قدرت خود. اما چگونه می‌توان از توده‌های زجر دیده بی‌شرمانه خواست که آرام گیرند و فریادشان را در سینه فرو بزنند! مردم ما دیگر تاب تحمل این وضعیت را ندارند، به همین دلیل به خیابان‌ها هجوم می‌آورند و نارضایتی خودشان را به انحاء مختلف ابراز می‌دارند. به مردم نمی‌توان خرده گرفت که چرا به کوچه و خیابان آمده‌اید، مشکل عمده زحمتکشان ایران نظام فاسد سرمایه‌داری ایران است، لیبرالیسم اسلامی آنچنان بلائی بر سر این مملکت و مردم آورده است، که تنها با سرنگونی آن می‌توان از دردها و آلام مردم ما کاست. نظام سرمایه‌داری عقب مانده ایران در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی ناتوانی و بی‌درایتی خود را به اثبات رسانده است. نمی‌توان حقیقت را مسخ شده و واژگون جلوه داد و انتظار داشت تا مردم آن را به عنوان واقعیت به پذیرند. کیست که نداند، مسبب اصلی این وضعیت کسی نیست جز دستگاه زر و زور نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران که مُلک و مِلّت را قربانی مطامع زشت و پلید خود ساخته است. عناصر هیأت حاکمه اختاپوس‌وار دست بر منابع عظیم کشور انداخته‌اند و در این وادی با هم بر سر غارت ثروت نیز به رقابت نشسته‌اند.

نظام تقسیمات کشوری زمینه‌ای را بوجود آورده است برای اختلاس و دزدی و چپاول منابع کشور و منطقه که محرومیت‌هایی را برای مناطق و نواحی مختلف کشور به بار می‌آورد و این احساس محرومیت است که مردم را به آشوب و درگیری با نظام می‌کشاند. در نظام تقسیمات کشوری، به آنچه که توجه نمی‌شود، امر خودگردانی کوچک‌ترین واحدهای سیاسی درون کشور است. هیأت حاکمه ایران از مشارکت مستقیم مردم در تعیین امور زندگی آنها می‌هراسد و مانع ورود آنها به عرصه تصمیم‌سازی می‌شود. نظام منحوس سرمایه‌داری ایران نه برای نیازها، انگیزه‌ها و نقش و نبوغ توده‌ها در فرایند تصمیم‌سازی و کارائی آنها در امور مربوط به خود آنها اهمیتی قائل است و نه اینکه به مردم اعتماد دارد. مردم ایران نیز به درستی نظام تقسیمات کشوری را تقسیماتی صرفاً حکومتی و سیاسی و نامأنوس با علایق و نیازهای خود می‌بیند.

تا زمانی که در بر این پاشنه می‌گردد، «سایه شوم شغالان» همچنان بر کشور و مردم ستم‌دیده و زحمتکش ما سنگینی خواهد کرد. مردم ایران باید به نیروی بنیان‌شکن خود ایقان و ایمان راسخ داشته باشند، باید به‌داندند که شرط موفقیت و پیروزی در این است که تنها با اتکاء به نیروی خود، با استفاده از تمامی اشکال مبارزاتی و تداوم این مبارزات، که با همبستگی و همدلی و اعتماد قلبی به طبقه کارگر ایران و اقبال رهبری سیاسی این طبقه همراه است، می‌تواند سرنوشت و آینده خود را رقم زند. آینده از آن زحمتکشان ایران است. ●



درس‌هایی از مبارزات کارگری سال گذشته

با توجه به شرایط بوجود آمده، بعد از خروج قابل پیش‌بینی امپریالیسم آمریکا از برجام و امکان سوءاستفاده دشمنان «ریز و درشت، داخلی و خارجی» از مبارزات مردم میهنمان، نیاز به بررسی مبارزات کارگری و درس‌آموزی از آن دو صد چندان شده است. باید مانع آن شد که یکبار دیگر طبقه کارگر ایران به چرخ پنجم گاری بورژوازی داخلی و یا امپریالیست‌ها تبدیل گردد. کارگران با حزب و تشکیلات مستقل خود همه چیزند و بدون تشکیلات و حزب هیچ چیز!

در حالی سال ۹۶ را پشت سر گذاشتیم و سال ۹۷ را شروع کردیم که زندگی بر کارگران، کشاورزان و زحمتکشان سخت‌تر گشته است و مسئولان نظام پروارتر از گذشته و با شکمی فربه‌تر از قبل سعی در فریب همگان دارند، تا کماکان با بهره‌کشی به زندگی انگلی خود ادامه دهند. یکی از راه‌های فریب، نام‌گذاری روزها، هفته‌ها و سال‌ها می‌باشد که با توجه به مسائل پیش آمده و نیازشان برای ساختن «افکار عمومی» به آن دست می‌زنند و به تبلیغ آن می‌پردازند و وانمود می‌کنند که در جهت حل مسائل و مشکلات اجتماعی قدم برمی‌دارند. ولی هرگز بیان کاری مسأله تبلیغ شده را ارائه نمی‌دهند، زیرا نام‌گذاری‌ها از حد تبلیغ برای فریب و شعار نه‌خواهد گذشت و اساساً تمایلی برای انجام امور کشور و مردم ندارند. امسال نیز،

همانند سال‌های پیش، نام‌گذاری شد، ولی سادگی است، اگر منتظر شویم تا برنامه‌ای برای اجرای شعار طرح شده ارائه شود و یا تلاشی حتی بی برنامه صورت گیرد. جمهوری اسلامی امسال را سال «حمایت از کالای ایرانی» اعلام کرد، ولی مطمئناً تاجران اسلام عزیز اجازه نخواهند داد تا تولیدکنندگان خرد و کلان، خودی نشان دهند و ثابت کنند که نیاز به واردات بنجل‌های کشورهای دیگر نیست! زیرا اسلام عزیز! هرگز از «مقام تولید» سخن نه‌گفته است، ولی تا به‌خواهید از تجارت حلال سخن‌فرسایی کرده است. نام‌گذاری واقعی باید با زندگی روزمره مردم مطابقت داشته باشد، نیازهای واقعی آنها را انعکاس دهد، می‌بایست با برنامه‌ریزی درست و بجا و اجرای همگانی مادیت یابد، تا در زندگی آنها قابل سنجش و لمس شود.

با توجه به تشدید مبارزات همگانی کارگران، کشاورزان، معلمان و ... و تلاش برای تشکلیابی و طرح خواسته‌های انسانی برای زندگی درخور و شایسته، بهترین نام برای سال ۹۷ تنها می‌تواند «تشکلیابی و مبارزه با هدف و برنامه» باشد.

مبارزات کارگران ایران در سال ۹۶ از روز دوم فروردین به هنگام بازدید حسن روحانی از «کارخانه سیمان باقران» با اعتراض به خاطر عدم دریافت ۱۲ ماه حقوق عقب‌افتاده، از طرف کارگران کارخانه، آغاز گشت و تا پایان سال با بیش از شش هزار مورد از اعتصاب، تظاهرات، تجمع و اشکال دیگر اعتراضات، در اقصی نقاط ایران ادامه یافت. یکی از مطالبات کارگران سیمان باقران همانند میلیون‌ها کارگر دیگر عقب‌افتادن چند ماهه حقوق و مزایایی بوده و هست، که

میزان آن چندین برابر زیر خط فقر است.

هادی ابوی، دبیرکل کانون عالی انجمن صنفی کارگران، رقم سبد معیشت یک خانواده کارگری ۴ نفره را ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان اعلام کرده است و بر همین اساس افزایش ۱۹۰۵ درصدی دستمزد مطرح شد، که بالاخره در سال جدید مورد تأیید دولت و کارفرمایان قرار گرفت و این در حالی است که خط فقر از مرز ۴ میلیون تومان نیز «قبل از صعود ارزش دلار و یا به عبارتی دیگر قبل از سقوط ارزش ریال»، گذشته بود.

حدود شش هزار اعتراض کارگری در سال گذشته رخ داده است. این اعتراضات شامل اشغال کارخانه، راهپیمایی و اعتصابات و دیگر اشکال مبارزات اعتراضی می‌شود. اعتراضات کارگران «آذر آب اراک»، «هپکو»، «هفت تپه»، «فولاد اهواز»، «رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی» به دلیل تشکل صنفی خود و به دلیل مواضع سنجیده و اصولی آنها و تداوم و ایستادگی‌شان بر مواضع مبارزاتی و همیاری همدلی با دیگر کارگران ایران، بیشتر مورد توجه قرار گرفت. به هنگام برگزاری مراسم روز کارگر سال ۹۶، در داخل محوطه مرقد خمینی برای فریب کارگران، به هنگام سخنرانی حسن روحانی، کارگران معترض شعار سر دادند «عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، زندگی کارگر رو به فناست امروز» و بدین ترتیب نشان دادند که فریب نخواهند خورد و سلاح فریب و سرکوب دیگر اثر ندارد. این در حالی است که سیاست‌های رژیم جهت اجرای اوامر نتولیرال‌های بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهان، توسط کارفرمایان و مدیران دولتی و خصوصی، جهت پایین نگه داشتن هر چه بیشتر دستمزد کارگران، کاهش امنیت شغلی و آسان‌تر کردن اخراج کارگران، بستن قراردادهای موقت، قراردادهای سفیدامضا و یا شفاهی، جهت جلوگیری از گسترش اعتراضات کارگری و سرکوب کارگران برای جلوگیری از ایجاد تشکلهای مستقل و یا انتخاب آزادانه نمایندگان خود، عیان‌تر از قبل خودنمایی می‌کند. کارگران «نیشکر هفت تپه»، به دلیل تعلیق کارگران، ایجاد فضای امنیتی، پرداخت نشدن پاداش سال‌های ۹۴ و ۹۵، تعدیل قرارداد کارگران قراردادی از یکساله به ۶ ماهه، عدم تمدید و تعویض دفترچه‌های بیمه، توسط سازمان تأمین اجتماعی، دست به اعتراض زدند. کارگران «روغن نباتی قو» به خاطر عدم پرداخت حقوق اسفند ۹۵ و فروردین ۹۶ و عدم دریافت بخشی از عیدی سال ۹۵، مقابل وزارت کار تجمع کردند. کارگران «واحد‌های تعمیرات و بهره‌برداری پروژه‌های فاز ۱۲ کنگان» در اعتراض به تصمیم کارفرما و پیمانکار، برای کاستن از دستمزدها، به اعتراض دست زدند.

خرداد ۱۳۹۶

- اعتراض کارگران «شهرداری دامغان» به عدم پرداخت ۱۰ ماه حقوق خود. کارگران در یک حرکت نمادین و نمایشی بسیار

- جالب در مقابل فرمانداری تجمع و سفره خالی پهن کردند.
- تجمع و اعتراض کارگران پیمانی «فضای سبز شهرداری اهواز» به عدم پرداخت دو ماه حقوق خود.
- تجمع اعتراضی کارکنان غیور «شرکت مخابرات استان لرستان» ادامه اعتراضات و تجمعات کارگران «پارس قو» و «نیشکر هفت تپه».

تیر ۱۳۹۶

- اعتراض کارگران «اتوبوسرانی شرکت واحد» با چراغ‌های روشن به عدم شارژ کارت کمک‌های نقدی‌شان از نخستین اعتراضات در تیرماه بود.
- تجمع اعتراضی کارگران «شرکت مخابرات مشهد» به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل
- اعتراض کارگران «کارخانه ذوب آهن اردبیل» به عدم پرداخت ۱۸ ماه حقوق
- تجمع اعتراضی کارگران «هپکو» به عدم پرداخت حقوق و وضعیت نامناسب معیشتی
- تجمع اعتراضی کارگران «شرکت اداره راه‌داری و حمل و نقل اصفهان» نسبت به عدم پرداخت ۸ ماه حقوق
- اعتصاب کارگران «میدان نفتی آذر ایلام» به دلیل عدم پرداخت حقوق معوقه
- آنچه در تمامی این مبارزات کارگری به چشم می‌خورد، عدم ارتباط تنگاتنگ و متشکل بین کارگران سراسر ایران است که امکان بهره‌گیری آنها از مبارزات‌شان را در مقابل کارفرمایان به حداقل رسانده است.

مرداد ۱۳۹۶

- تجمع اعتراضی کارگران «شرکت گروه ملی صنعتی فولاد ایران» نسبت به عدم پرداخت حقوق و معوقات خود، که به بازداشت عده‌ای از کارگران منجر شد.
- اعتراض کارگران «بلبرینگ سازی تبریز» به دلیل عدم پرداخت ۶ ماه حقوق خود
- تجمع کارگران «کارخانه چوب اردکان»
- ادامه تجمعات، کارگران «روغن نباتی پارس قو» به دلیل تعویق در پرداخت سه ماه حقوق
- اعتراض و اعتصاب کارگران «گروه ملی صنعت فولاد ایران» و کارکنان «اتوبوسرانی» به دلیل عدم پرداخت حقوق‌های معوق شده خود.
- تجمع اعتراضات کارگران «شهرداری کهنوج» به عدم پرداخت معوقات خود.
- تجمع اعتراضی کارگران «شبکه آب و فاضلاب روستایی

- آبادان» نسبت به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق خود
- اعتراض کارگران «معدن زغال سنگ زرنده» به پایین بودن حقوق و عدم پرداخت حقوق و حق بیمه
- اعتراض و تجمع کارگران «فاز ۱۳، ۲۰ و ۲۴ عسلویه» و
- کارگران «فضای سبز یاسوج» و
- کارکنان «راه آهن اندیمشک» به دلیل عدم پرداخت حقوق.

شهریور ۱۳۹۶

- در شهریور ماه بار دیگر مأموران نیروهای انتظامی به تجمع آرام و مسالمت آمیز کارگران حمله می کنند و اینبار وحشیانه کارگران «هپکو» و «آذر آب اراک» را مورد ضرب و شتم قرار می دهند و تعدادی از کارگران را زخمی می کنند و نشان می دهند که در قاموس نظام مقدس اعتراض به وضعیت بد معیشتی، جرمی است که پاسخ به آن سرکوب بی رحمانه است.
- اعتصاب کارگران «مجتمع مس گنبد کرمان»
- تجمع کارگران «پست فشار قوی» مقابل وزارت نیرو
- اعتراض کارگران «کشتی سازی بحرگستر هرمز»
- تجمع کارگران «شرکت حمل و نقل بین المللی خلیج فارس»
- تجمع بازنشستگان «صنعت فولاد» در مقابل ریاست جمهوری
- اعتراض کارگران «دوب آهن اردبیل» از جمله اعتراضات کارگری به عدم پرداخت حقوق و مطالبات و حق بیمه، اعتراض به خصوصی سازی و عدم پرداخت حقوق، مزایا و دیگر مطالبات کارگران در شهریور ماه بود.

مهر ۱۳۹۶

- با پی گیری و ادامه تجمع در مهر ماه توسط کارگران «هپکو» و «آذر آب اراک» به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم پرداخت معوقات خود نشان داده شد که طبقه کارگر پی گیرترین طبقه می باشند.
- کارگران «هپکو» و «آذر آب اراک» تنها نماندند و دیگر کارگران با اعتراضات خود به آنها پیوستند.
- تجمع اعتراضی کارگران «جایگاه سوخت اهواز» نسبت به نداشتن امنیت شغلی
- تجمع اعتراضی کارگران کارخانه «فولاد ارومیه» نسبت به عدم پرداخت حقوق
- تجمع اعتراضی کارگران «روغن نباتی نرگس شیراز»، به دلیل مطالبات دستمزدهای معوقه سه تا شش ماه خود
- تجمع اعتراضی کارگران «کمباین سازی تبریز»

آبان ۱۳۹۶

- اعتراضات کارگران مبارز و خستگی ناپذیر «فاز ۱۳ و ۱۴ عسلویه» نسبت به عدم دریافت ۵ ماه حقوق خود
- اعتراضات کارگران «کیش چوب» به دلیل عدم پرداخت ۸ تا

- ۱۲ ماه حقوق خود و به دلیل عدم رسیدگی به وضعیت شان
- اعتراضات کارگران پیمانی «شهرداری کرمانشاه» به دلیل عدم پرداخت سه ماه حقوق خود
- سفر اعتراضی کارگران «کاشی گیلانا» به تهران و تجمع در مقابل ساختمان دفتر مرکزی این کارخانه نسبت به بلاتکلیفی خود و همکارانشان

آذر ۱۳۹۶

- اعتصاب کارگران «فضای سبز و خدمات شهری شهرداری کوار استان فارس» نسبت به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق
- اعتراض کارگران «شهرداری بندر ماهشهر» دلیل مشکلات معیشتی
- اعتراض بازنشستگان «فولاد مبارکه» و
- «دوب آهن» نسبت به عدم پرداخت حقوق و معوقات خود
- تجمع اعتراضی کارگران «نیروگاه برق آبی سی سخت یاسوج» نسبت به عدم پرداخت حقوق و مزایا
- تجمع اعتراضی کارگران «کارخانه کیان تابر» مقابل نهاد ریاست جمهوری در اعتراض به نبود امنیت شغلی
- ادامه اعتراضات کارگران «هفت تپه»

دی ۱۳۹۶

- کوچه و بازار در بیش از صد شهر کوچک و بزرگ ایران به پا خاستند و دیماه را با مطالبات اقتصادی خود آغاز کردند و به سرعت به مطالبات سیاسی رسیدند، که متأسفانه به دلیل نبود رهبری و تشکیلات قدرتمند کارگری، این اعتراضات به سرعت به پایان رسید. ناگفته نماند که به دلیل عدم وجود رهبری صحیح، شعارهای انحرافی و ضدملی و ضدمیهنی نیز سر داده شد. کارگران با کمی تعمق و تأمل در حمایت از مبارزات مردمی اطلاعیه مشترکی صادر کردند و در آن با اعلام سیاست ها و مطالبات بر حق مردمی عمق تسلط و دانش و روحیه انقلابی خود را به نمایش گذاشتند.
- تجمع اعتراضی رانندگان «اتوبوسرانی شهرداری اصفهان» نسبت به عدم پرداخت حقوق خود
- اعتصاب کارگران «سد گلورد نکا» در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق خود.
- اعتراض کارگران «کیان کرد ملایر، همدان» به عدم پرداخت شش ماه حقوق خود
- تجمع اعتراضی کارگران «تراورس لرستان و خوزستان» بطور همزمان نسبت به پرداخت نشدن سه ماه حقوق خود.
- اعتراض کارگران «شرکت ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی تبریز» به عدم پرداخت ۱۰ ماه حقوق خود
- ادامه اعتراضات کارگران «هپکو» و «نیشکر هفت تپه» نشانی

«صنایع کم مصرف ایرانیان» نسبت به عدم پرداخت حقوق و حق بیمه خود مقابل استانداری قزوین.

- اعتراض کارگران پیمانکاری «شرکت آزمون فلز» در فاز ۲۲ و ۲۴ و فاز ۱۵-۱۶ عسلویه به عدم پرداخت چهار ماه حقوق و معوقات شان.

سال ۹۶ به پایان رسید و سفره کارگران خالی تر از سال های پیش شد و مشکلات صنفی کارگران کماکان حل نه شده، ولی بزرگ تر از قبل، خود نمایی می کند، کارگران و خانواده هایشان اما آموخته تر و آبدیده تر از قبل پرچم مبارزه علیه ظلم و نابرابری را بر دوش خود حمل می کنند و تا رسیدن به یک زندگی لایق و انسانی دست از تلاش بر نخواهند داشت.

اعتراضات، اعتصابات و تجمعات کارگری در دو ماهه اول سال ۹۷ نشان می دهد که کارگران هرگز تسلیم سرکوب و نامردمی رژیم و کارفرمایان دولتی و خصوصی نمی شوند و به تنویرال های وطنی اجازه نه خواهند داد که اوامر خانمان سوز و ایران بر بادده امپریالیست ها را به اجرا در آورند.

آنچه در سیر مبارزات سال گذشته کارگران به چشم می خورد، عدم وجود تشکلات صنفی در تمامی محیط های کارگری است و اگرچه چند سندیکا متشکل و دارای رهبران آگاه وجود دارد، ولی نبود چنین سندیکاهایی در همه محیط های کارگری باعث می شود تا نتیجه های دلخواه کارگران به دست نیاید. دیگر آنکه نبود یک اتحادیه سراسری باعث می شود تا پی گیری و تداوم لازم در مبارزات کارگری وجود نداشته باشد و باز هم اگر چه ارتباطات کمی مابین سندیکاها و کارگران رشته های مختلف و یا کارگران یک رشته در شهرهای مختلف وجود دارد و تا به حال در موارد نادری حرکت های مشترک انجام داده اند و یا از دیگر کارگران پشتیبانی به عمل آورده اند، ولی وجود یک اتحادیه مستقل سراسری می تواند کارگران را قدرتمندتر از قبل در مبارزات رهنمایی کند، تا نتایجی بهتر و بیشتری نصیب کارگران شود. سال ۹۷، سال اتحاد و مبارزه متحد کارگران و زحمتکشان! •

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

پیش به سوی ایجاد اتحادیه مستقل سراسری کارگران ایران!

به حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

درخشان از مبارزه متشکل در دی ماه بود.

بهمن ۱۳۹۶

- اعتصابات و اعتراضات کارگری در ماه بهمن، «ماه انقلاب و شهادت فرزندان خلق ایران» ادامه داشت.
- تجمع اعتراض کارگران «شرکت واحد اتوبوسرانی تهران حومه متشکل در سندیکا» در مقابل ساختمان شهرداری تهران نسبت به سال ها تعویق در واگذاری منازل مسکونی خود
- تجمع کارگران و پیمانکاران «پتروشیمی بندر ماهشهر»
- اعتصاب و تجمع کارگران «راه آهن زنجان» در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق مقابل ساختمان راه آهن
- اعتصاب کارگران «نی بُر نیشکر هفت تپه» در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود
- تجمع کارگران «شهرداری بروجرد» به عدم پرداخت ۸ ماه حقوق خود
- تجمع اعتراضی کارگران «جنگل بانی چالوس» نسبت به عدم پرداخت چند ماه حقوق در مقابل سازمان جنگل ها چالوس
- اعتصاب کارگران شرکت «پرلیت تهران» به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و معوقات
- تجمع کارگران «کارخانه آران سیج شهریار» در اعتراض به عدم پرداخت ۸ ماه حقوق
- کارگران «شهرداری شوشتر» در واکنش به تبدیل وضعیت قراردادهای خود به پیمانی در اوایل بهمن ماه، دست به اعتصاب زدند در جریان این اعتصاب، شهرداری شوشتر گروهی از کارگران را برای دادن تعهدنامه به کمیته انضباطی احضار کرد و ماهیت ضد کارگری خود را به نمایش در آورد.

اسفند ۱۳۹۶

- اعتراض کارگران «گروه ملی صنعتی فولاد اهواز»،
- ادامه تجمعات اعتراضی کارگران «هپکو» و «نیشکرهفت تپه»
- تجمع اعتراض کارگران «شرکت کیسون عسلویه» به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق خود.
- تجمع اعتراضی کارگران «شرکت یوتانک صنایع نفت و گاز بوشهر» به وضعیت معیشتی خود
- اعتراض کارگران و کارمندان «شرکت آهاب» نسبت به مشکلات معیشتی شان در مقابل دفتر مرکزی این شرکت در تهران
- تجمع اعتراضی کارگران پیمانکاری «اداره آب و فاضلاب مشکین شهر» نسبت به پرداخت نشدن حقوق معوقه و عیدی خود
- تجمع اعتراضی کارگران دو «کارخانه کنتورسازی قزوین» و



افتخار بر زنان قهرمان ایران

فوتبال در ایران برخلاف همه کشورهای جهان، به پاس حاکمیت عفریت جمهوری اسلامی صرفاً یک پدیده ورزشی نیست، یک اقدام آشکار سیاسی است. رقابتی آشکار میان توده مردم و حاکمیت متحجر اسلامی است. رقابتی میان ترقی و تحجر است. رقابت و مبارزه‌ای آشکار میان استبداد اسلامی و تلاش مردم برای تساوی حقوق زنان با مردان ایران است، که آنها را حتی از شرکت در شادی پیروزی تیم ملی فوتبال ایران و یا مسابقات باشگاهی در آورده‌گاه آزادی محروم می‌کنند. اما علی‌رغم همه این تبعیضات و ممنوعیت‌های بی‌شرمانه، زنان ایران به کوری چشم ارتجاع به پیروزی‌های خیره‌کننده‌ای نائل آمدند. پیروزی تیم ملی فوتبال زنان ایران بر زنان ژاپن و قهرمان شدن در قاره آسیا از این دست است. چه زیبا و با شکوه بود لحظه‌ای که ورزشکاران زن برای افتخار آفرین شدند و چه تلخ و دردناک بود که صدا و سیمای کشور با تقاضای پخش مسابقه مخالفت کرد و میلیون‌ها نفر نتوانستند افتخار آفرینی آنان را به تماشا بنشینند. پیروزی‌های چشمگیر زنان در رشته‌های ورزشی مختلف، خصوصاً از دهه نود به بعد با شرکت در مسابقات منطقه‌ای، آسیایی شروع شد و پس از سال‌ها توانستند به بازی‌هایی در سطح جهانی راه یابند. امید و مقاومت در دل دختران و زنان ورزشکار راز پیروزی آنها بود. چه موانعی بر سر راه پیشرفت ورزش بانوان در ایران وجود داشته و دارد؟

اما نگاهی به وضعیت زنان در جامعه کافی است، تا موانع اصلی و اساسی را، که زنان ورزشکار در ایران با آن مواجه هستند، بتوان برشمرد. لازم به توضیح است که این نگاه از دید تخصصی ورزشی نیست. اصلی‌ترین موانع را می‌بایست در تبعیض‌های شغلی و

جنسیتی در قوانین جمهوری اسلامی جستجو کرد. عدم به رسمیت شناختن حق آنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور و عدم حضور زنان در بسیاری از رشته‌های ورزشی در ایران، داستان تبعیضی چهل ساله است. تبعیضی که زنان روزانه با پوست و گوشت خود آن را در تمامی عرصه‌های زندگی تجربه می‌کنند. ولی سرانجام پس از سه دهه تلاش بی‌گیر موفق شدند، تا رژیم را وادار به عقب‌نشینی‌هایی هر چند کوچک به‌کنند و بدین ترتیب زنان اولین امکانات راه یابی به میادین ورزشی جهانی را یافتند. پیشرفت‌ها و موفقیت‌های ورزشی زنان بدون حمایت دولت و باشگاه‌های دولتی که امکانات مالی یا مربیان گران‌قیمت خارجی و... نداشتند، صورت گرفت. مسئولین و مقامات دولتی تقریباً تمام امکانات و هم و غم خود را معطوف به رسیدگی به وضعیت تیم‌های مردان می‌کنند. فدراسیون‌ها تا به امروز یا با بی‌احترامی با ورزشکاران زن برخورد می‌کنند و یا آنان را از شرکت در برخی رشته‌های ورزشی چون تنیس، شنا، کشتی... در سطح مسابقات بین‌المللی محروم می‌کنند. با تأسف باید اقرار کرد که مردان جامعه، یا قوانین حاکم بر جامعه را تأیید کردند و یا با سکوت خود به استمرار این روند کمک می‌نمایند. برای نمونه نیلوفر اردلان، بازیکن تیم ملی فوتبال، کاپیتان تیم ملی فوتبال و خانم گل دو دوره اول بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی، که همسرش مانع از حضور وی در بازی‌های گواتمالا شد. اما جامعه و به خصوص در عرصه ورزشی اعتراض زیادی در این خصوص نه‌کرد. اگر هم چند جمله‌ای نوشتند و گفتند، بیشتر جنبه گله داشت تا اعتراض جدی و مصمم نسبت به این ناعدالتی. تنها فشارها و اعتراضات فعالان زنان باعث گشت تا او به‌تواند با حکم دادستانی در مسابقات قهرمانی فوتبال جهانی ۲۰۱۵ در گواتمالا شرکت کند. نمونه‌ای دیگر در تبعیض جنسیتی آن است که به زنان حتی حق



گزارش نماینده زاهدان از فقر مردم سیستان

به گفته نماینده زاهدان در مجلس ۷۵ درصد مردم سیستان و بلوچستان دچار فقر غذایی هستند

نماینده زاهدان در مجلس گفت:

«۷۵ درصد مردم استان سیستان و بلوچستان فقر غذایی دارند، مردم روستاهای این استان آب سالم برای خوردن ندارند، نان ندارند و به لحاظ معیشت از هر نظر که فکر کنید، در شرایط نامطلوبی قرار دارند. از هر بیماری که فکر کنید، در این استان هست و این غیرقابل کتمان است.

من در مشاهداتم تعداد فراوانی از این مردم را دیده‌ام که دچار مشکلات استخوان‌بندی و گوارشی هستند و عاقبت خوبی را نمی‌توان برایشان متصور شد. حتی در خود شهر زاهدان نیز بالغ بر ۳۵۰ هزار نفر آب سالم لوله کشی ندارند و در خیلی از نقاط خود شهر نیز با تانکر آب‌رسانی می‌شود.

خب وقتی مردم این استان از نظر تأمین مواد غذایی از امنیت کامل برخوردار نیستند، هیچ بعید نیست که مردم رو به خوردن گوشت حیواناتی نظیر گربه و کلاغ بیاورند. حالا باز روستاهای بخش زابل نسبت به سایر روستاهای استان از وضعیت نسبتاً بهتری برخوردار هستند. برخی روستاهای جنوبی و حوالی چابهار و قصرقند وضعیتی به مراتب اسفبارتر از این دارند. این فقر و گرسنگی در حالی است که اختلاس‌های چند هزار میلیاردی و حقوق‌های نجومی و جنگ‌های نیابتی همچنان ادامه دارد و قدرتمداران از این وضعیت باکی ندارند.

با جلوگیری از یک اختلاس کلان می‌توان کمی از فقر این مردم کاست. اما دریغ از مسئولیت» •

تماشای مسابقات در استادیوم‌های ورزشی را هم نمی‌دهند. تحقیر زنان و دختران در پشت ورزشگاه‌ها، باعث شد تا برخی زنان به شکل پراکنده به شیوه خود اقدام به مبارزه با ممنوعیت‌های رژیم کنند. آنها با لباس و گریم پسرانه وارد ورزشگاه‌ها می‌شوند، تا به مسئولان و دولت صدای اعتراض خود را برسانند. در چارچوب قوانین اسلامی برخی به رئیس جمهور نامه نوشتند و خواستار لغو ممنوعیت حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی شدند و برخی پیشنهاد اختصاص دادن بخشی از استادیوم‌های ورزشی به زنان را دادند. گذشته از قوانین ضدزن، خلاء حاکم در ساختار آموزشی و رشد ورزش زنان از سطح دبستان تا پایان دبیرستان، عدم حمایت دولتی و کمبود سرانه‌های ورزشی، عدم برنامه‌ریزی و مدیریت سالم در فدراسیون‌ها و باشگاه‌ها می‌توان به جرأت گفت که پوشش اجباری اسلامی خود مانعی است بزرگ برای حضور زنان و دستیابی به موفقیت‌های بیشتر در مسابقات ورزشی در سطح جهانی. تمرکز مسئولان و قانونگذاران بیشتر معطوف به گشادی، بلندی و ضخامت لباس زنان است که هیچگونه همخوانی با استانداردهای جهانی ندارد. این در حالیست که تمامی کنسرن‌های تولید لباس و کفش‌های ورزشی تلاش در عرضه لباس‌ها و کفش‌ها با وزن، جنس و فرم‌های محاسبه شده هستند تا به ورزشکاران شانس آن داده شود حتی از هزارم‌های ثانیه را نیز برای بُرد خود استفاده کنند. تا وقتی رژیم جمهوری اسلامی حضور زنان در عرصه‌های مختلف جامعه را نپذیرد، تا وقتی جلوی فساد و تنگناهای مالی گرفته نشود، مبارزه زنان ادامه خواهد داشت. رژیمی که حقوق زن و مرد را برسمیت نمی‌شناسد، چه برسد به تساوی این حقوق راضی باشد، رژیمی که از حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی ممانعت به عمل می‌آورد، مایه ننگ است و نمی‌تواند در افکار عمومی مردم جهان امتیاز مثبتی به دست آورد. حسن روحانی، رئیس جمهور منتخب بخشی از مردم فریب‌خورده و نماینده نظام اسلامی، که با تحمیل پوشش اجباری و آپارتاید جنسی و اجرای سنگسار و اعدام در ملاء عام قریب به چهارده برمسند قدرت تکیه زده و چهره زشتی از فرهنگ کشور ما را ترسیم کرده است، نمی‌تواند و نمی‌خواهد درهای استادیوم ورزشی را به روی زنان ایران باز کند و این خواست ابتدایی را تحقق بخشد. به سخنان بزدلانه و کاسب‌کارانه اخیر وی مبنی بر حضور زنان در استادیوم فوتبال نمی‌توان دل بست. این وظیفه دختران و پسران آگاه جامعه است که با تشکل و سازماندهی، مردم را برای درهم شکستن درهای بسته استادیوم فرا به‌خوانند و از حق حضور زنان در ورزشگاه صد هزار نفری حمایت نمایند. باشد که زنان و مردان در پیکاری مشترک برای رسیدن به عدالت اجتماعی، عدالت جنسیتی و آزادی در آینده‌ای نه چندان دور پیروزی‌های بیشتری را در تاریخ ایران و تاریخ ورزشی جهان به ثبت برسانند. •



هفته معلم، هفته همبستگی و اتحاد معلمان سراسر ایران

مبارزه فرهنگیان زحمتکش میهن ما برای احقاق حقوق صنفی، اجتماعی در هفته‌ها و روزهای گذشته همچنان ادامه دارد و «دولت تدبیر» به جای تدبیر جهت حل این مشکلات اساسی جامعه، که آینده نسل‌های بعدی و آینده وطن را رقم می‌زنند، راه سرکوب را همچنان ادامه می‌دهد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان با ابتکار جالبی برنامه‌های اعتراضی برای هفته معلم را از تاریخ ۱۲ تا ۲۰ اردیبهشت ارائه داد:

«همبستگی با معلمان زندانی، صیانت از محیط زیست، دفاع از حقوق دانش‌آموزان، دفاع از حق تشکلهای مستقل و آزاد معلمان و دفاع از حقوق بازنشستگان».

در این میان باید تکرار نمود که تشکلهای مستقل و آزاد، آن‌سلاهی است که اقشار زحمتکش جامعه بر ضرورت آن اصرار دارند و دولت و مجلس عامدانه مانع تحقق آن می‌شود. در پی فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، در بیش از ۳۱ شهر از نقاط مختلف کشور، از جمله تهران، اراک، قزوین، زنجان، کرمانشاه، اصفهان، همایونشهر، شیراز، مشهد، بجنوردی،

تبریز، رشت، ساری، شهرضا، بیرجند، کازرون، سقز، بانه، سنندج، دهگان، میران، مهاباد، دیوان دره، مریوان، مهاباد، خرم‌آباد، همدان، بندرعباس، بهبهان، زاویه و بیرجند، اعتراضات و اجتماعات مسالمت‌آمیزی صورت گرفت. تجمع معلمان شهر تهران طبق روال همیشگی با سرکوب و ضرب و شتم این قشر شریف جامعه توسط نیروهای سرکوب «دولت تدبیر» روبرو شد و تعدادی از معلمان از جمله علی زولفی، محمد حسن پوره، محمد تقی فلاحتی، عالیه اقدام دوست، نورایی، رسول بدافی، محمد حبیبی (وی فروردین ماه امسال به قید وثیقه ۲۵۰ میلیون تومانی آزاد شده بود)، علی پیروز و چند تن دیگر دستگیر و به پلیس امنیت کلانتری ۱۵ خرداد منتقل شدند. تعدادی نیز زخمی شدند و گوشی‌های تلفن همراه معترضین توسط نیروی سرکوب ضبط و ربوده شد. مردم کوچه و بازار از خود می‌پرسند، آیا جای معلم در کلاس‌های درس است، یا در زندان؟

مردم کوچه‌بازار بر این عقیده‌اند که شایسته آن است مقام والای معلم حفظ شود و قانون‌گذاران، مقامات قوه قضائیه و دیگر مسئولین بی‌کفایت، بخاطر ۴۰ سال دزدی و فساد روانه زندان‌ها گردند. در این میان باید اذعان داشت که در تجمعات و اعتراضات اردیبهشت امسال، حضور معلمان زن که در نظام «مقدس» «هم از فقر می‌نالند و هم از فرق» نقشی بس ارزنده داشت و بسیاری از زنان مبارز در این حوادث به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

شعارها و تراکت‌های فرهنگیان تقریباً در تمام شهرهای کشور: «بیمه کارآمد حق مسلم ماست»

شوخی نکنید آقایان، جهنم زیر پاهای شماست!

یادداشتی از معلم زندانی، محمد حبیبی
*محمد حبیبی این یادداشت را در ۱۲ بهمن ۱۳۹۵ نوشته است
و «جرم» چنین نوشته‌هایی است.

اینجا راحله می‌فروشند. سیزده ساله، بی‌شناسنامه، بی‌هویت، ناقابل! دو میلیون تومان. «دو میلیون را بده، بچه را ببر، هر جا که خواستی» برادرش می‌گوید که حالا تنها سرپرست اوست. اینجا پسرکی پنج ساله را می‌فروشند به امید رسیدن به سرپناهی. «شوهرم تصادف کرده و زمین گیر است، خودم مریضم و پول دکتر ندارم. چاره‌ای نداریم. هر جا رفتیم کسی کمک‌مان نکند» مادرش می‌گوید. آگهی فروشش را گذاشته‌اند. ناقابل! در ازای اجاره یک خانه کوچک در شهرستان.

اینجا بچه پولدارهایی هستند، که پورشه‌های میلیاردی سوار می‌شوند. برای پارتی‌های آخر شب‌شان خاویار سرو می‌کنند، و برای دسرشان، شیرینی و بستنی با روکش طلا سفارش می‌دهند. ناقابل! دو میلیون تومان. اینجا بیمارستان‌هایی دارد شبیه به وال‌استریت. بازاری برای خرید و فروش بچه. زنهایی می‌آیند. کودکان را به دنیا می‌آورند، برگه‌ای را امضا می‌کنند و بچه را می‌فروشند. ناقابل! بین پانصد هزار تا یک و نیم میلیون تومان. اینجا بازارهایی دارد برای خرید و فروش حیوان. آدمهایی می‌آیند تا برای سرگرمی روزانه شان، پول خرج کنند. حیواناتی از هر نوع و هر نژاد. ناقابل! از صد هزار تا سی میلیون تومان.

اینجا کودکانی دارد که آموزش می‌بینند. نه در مدرسه، که در خیابان. آموزش می‌بینند که از طلوع صبح تا بوق سگ برای ارباب‌شان کار کنند. کارگرانی که اگر خوب کار کنند، قیمت‌شان بیشتر می‌شود. قیمت این کودکان برده، ناقابل! از صد هزار تا پنج میلیون تومان.

اینجا دانش آموزانی هستند، که تعطیلات آخر هفته‌شان مسافرت‌های اروپایی است. خجالت می‌کشند که هم‌کلاسی‌هایشان به‌فهمند برای تعطیلات عید به ملازی رفته‌اند. شهریه این مدارس، ناقابل! بین ۲۰ تا ۲۵ میلیون تومان در سال. اینجا آدم‌هایی هستند که در گور می‌خوانند. در ساختمان‌های مخروبه می‌خوانند. در میان لوله‌های فاضلاب می‌خوانند، تا از سوز سرمای زمستان در امان باشند. اینجا مسئولینی هستند که گورخواب‌ها را جمع می‌کنند و به گوشه خیابان می‌فرستند. مسئله‌شان را حل می‌کنند. در سرما گوشه خیابان‌ها یخ می‌زنند و می‌میرند. بدتر از آنها، اینجا قلم به دستانی داریم، که سرشان را بالا می‌گیرند، باد به غیغ‌شان می‌اندازند و با بی‌سوادی تمام می‌گویند: «شاید گورخواب‌ها خودشان مقصر باشند».

اینجا آقازاده‌هایی هستند که آب معدنی‌های مارک‌دار نروژی می‌نوشند. ناقابل! لبتری شصت هزار تومان. اینجا کارگرانی هستند، که از صبح تا به شب، آویزان در میان زمین و هوا، بر روی داربست‌ها، با جان‌شان بازی می‌کنند، ناقابل! فقط برای چهل هزار تومان. اینجا بچه پولدارهایی هستند که پول توجیبی ماهانه‌شان کفاف خرج‌شان را نمی‌دهد و معترض‌اند. ناقابل! ماهانه بین ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان. اینجا معلمان بازنشسته‌ای هستند که پول بازنشستگی کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد. پس از شب تا به صبح نگهبانی می‌دهند. ناقابل! فقط برای ماهانه ششصد هزار تومان.

اینجا همه، از مسئول و کارشناس و روشنفکر و دانشگاهی و قلم به دست، هر روز اندرز می‌دهند و شما را می‌ترسانند. از فقر و بدبختی، از روند رو به افزایش شکاف طبقاتی. و به شما هشدار می‌دهند، که ادامه آن، آتشی به پا می‌کند و همه را می‌سوزاند.

اینجاست که باید سر را بالا گرفت، چشم در چشمشان دوخت و با لیخدنی بر لب چنین گفت: «شوخی نکنید آقایان! جهنم همین جاست. همین لحظه، همین اکنون. ناقابل! درست زیر پاهیمان.» ●

«معلم زندانی آزاد باید گردد»

«معلم، کارگر، دانشجو، اتحاد»

«نان، کار، آزادی، عدالت آموزشی»

«دسترسی به آموزش کیفی، رایگان و عادلانه حق تمام کودکان است»

تفاوت شعارها و تراکت‌های امسال با سال‌های قبل، همبستگی و اتحاد سراسری میان این قشر زحمتکش و والا از تمامی ملیت‌های ایران است، آنچه که می‌توان با غرور از سرمایه‌های با ارزش کشور به شمار آورد. فرهنگیان با شناخت از درد مشترک، پرچم پرافتخار رزم مشترک را برافراشته‌اند. برای نمونه معلمان مریوان دست نوشته‌هایی در دست داشتند که بر روی آن نوشته شده بود: «ما معلمان مریوان، برخورد قهرآمیز با تجمع قانونی معلمان در تهران را محکوم می‌کنیم». چنین شعارهایی، که وحشت در دل دشمنان مردم انداخته است، مشت محکمی هم هست بر احزاب و نیروهای تجزیه‌طلب، که با حيله و تزویر قصد اختلاف‌اندازی بین ملیت‌ها و اقوام ایران را دارند و شبانه‌روز در رسانه‌هایشان به جای وحدت و اتحاد که ضامن پیروزی، تخم نفرت ملی و نفاق و پراکندگی را پخش می‌کنند. جهانخواهان بین‌المللی و کشورهای مرتجع ضد ایرانی سالانه صدها میلیون دلار در این راه هزینه می‌کنند، تا به اهداف شوم‌شان دست یابند. هوشیاری و درایت فرهنگیان فرهیخته نقاط مختلف کشور، نشانه بسیار مثبتی است که این همه هزینه نه‌توانست خواست و اهداف مردم را به بیراهه برد. این شعارها دست رد بر سینه اجنبی و یاران و هم‌صدایان‌شان است. آیا با چنین تجربه ارزشمندی احزاب و نیروهای تجزیه‌طلب و بیگانه‌پرست به آغوش مردم باز می‌گردند؟ شرط پیروزی هر ملیتی، هر طبقه و قشر زحمتکشی، در وحدت و تشکیلات، درهم‌صدایی، همدلی و اتحاد با دیگر ملیت‌ها، با دیگر طبقات و اقشار زحمتکش است و نه در جدایی و دشمنی با آنان.

در این عرصه حزب کار ایران (توفان) حامی خواست‌های به حق و قانونی فرهنگیان است، که نقش اساسی در آینده‌سازان ایران ایفا می‌کنند. ●



گفتگویی با دکتر فریبرز رئیس دانا در مورد علت نوسانات بهای ارز (بخش پایانی)

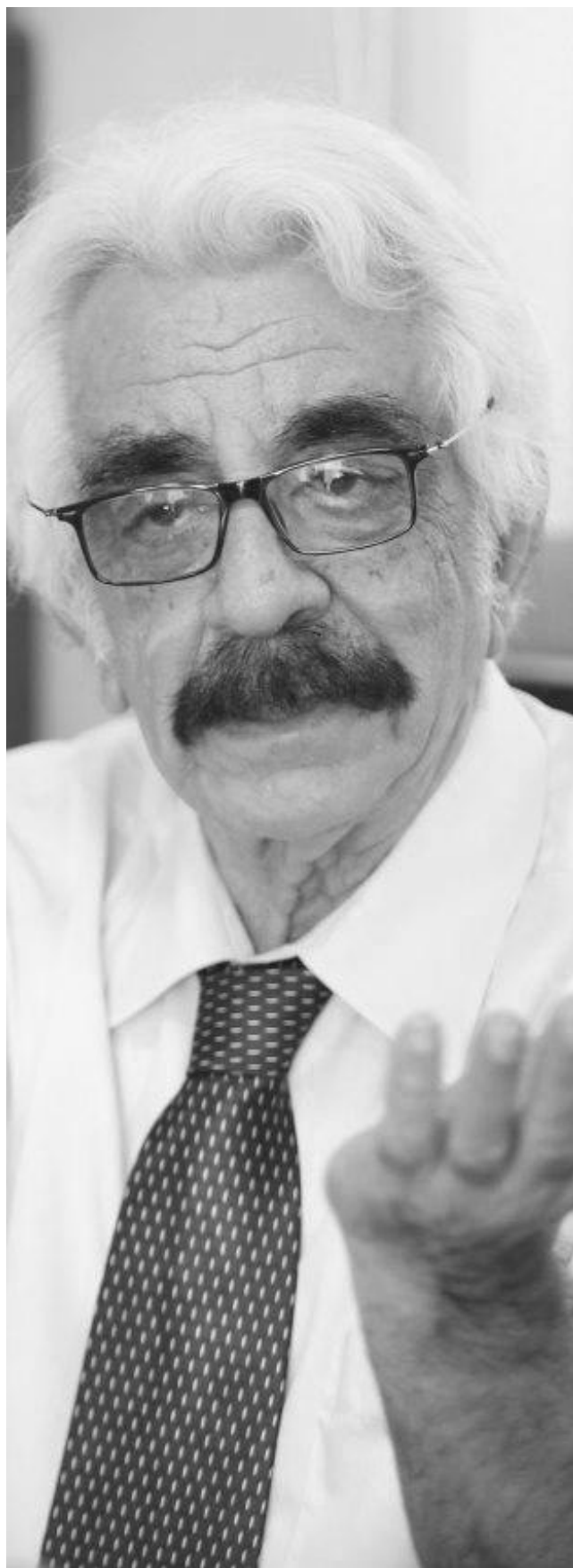
در هفته‌های اخیر نوسانات بهای ارز موجب نگرانی‌هایی شده است و نرخ دلار حتی تا ۶۰۰۰ تومان هم افزایش پیدا کرد. دولت نتولیرال حسن روحانی هم در واکنش به نوسان بازار، ارز را تک نرخی کرد و قیمت آن را ۴۲۰۰ تومان اعلام نمود. اما در عین حال، سیستم اقتصادی کشور اکنون با فقدان ارز رو به رو شده است و ترس و نارضایتی‌هایی را در جامعه موجب گشته است. گفتگویی در این رابطه با دکتر فریبرز رئیس دانا، اقتصاددان چپ مقیم تهران صورت گرفته که در یک فایل صوتی در صفحه شخصی تلگرام ایشان انعکاس یافته است. در این گفتگو آقای رئیس دانا به نکات مهمی اشاره کرده و به افشای مسببین این بحران پرداخته است، که اینک تلخیصی از این گفتگو از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

هئیت تحریریه

اردیبهشت ۱۳۹۷

پرسش: بسیار خُب! من پرسش سوم خودم را مطرح می‌کنم. با اجازه شما! آیا این وضع نابسامان که قرار است با سیاست تصویب تک نرخی دلار ۴۲۰۰ تومانی متوقف شود بازگشت می‌کند؟ آیا همه چیز آرام می‌شود؟ و چرا؟

پاسخ: نه! به نظر من تا زمانی که در بر این پاشنه می‌چرخد، همه چیز آرام نمیشود. زمینه ناآرام ساز است. زمینه اقتصادی چنین است که کسانی در اقتصاد هستند، که قدرت به بازی گرفتن منابع ارزی رت دارند. اقتصاد ایران پیچ و مهره‌اش توسط دلار روغن‌کاری میشود. اقتصاد ایران الان با یک رکود گسترده روبرو هست. بعضی از واحدهای صنعتی فقط در حد ۲۰ درصد کار می‌کنند. شمار زیادی از واحدهای صنعتی تعطیل شده‌اند. ۵,۷، ۵,۸ میلیون بیکار وجود دارد. آمار دولتی حالا هر چه می‌خواهد به‌گویند. حرف من را گوش بدهید شما! این رقم بی‌کاری خیلی بالاست. چشم‌انداز توری وجود دارد. در یک چنین شرایطی صاحبان قدرت اقتصادی، چه در لایه‌های ارزی و سرمایه‌داری مالی و بانکی و چه صاحبان فعالیت‌های پیمان‌کاری و تولیدی، این‌ها تصمیم‌هایشان می‌تواند متحقق بشود. یعنی تحمیل می‌کنند تصمیم‌هایشان را به دولت و دولت با این تصمیمات هم‌ساز میشود. کدام یکی از وعده‌های این دولت توانسته است متحقق بشود؟ گفته بود که آزادی‌های سیاسی را تأمین میکند، که نکرد؛ گفته بود که حقوق کارگران را تأمین میکند، که نکرد؛ گفته بود که تورم را کنترل میکند، یک دوره کوتاهی تا حدی کنترل کرد فقط با آمارها بازی کرد؛ گفته بود که رفع حصر میکند، که نکرد؛ گفته بود که سیاست‌های مربوط به برجام سیاست‌های بعد از برجام می‌تواند مشکلات اقتصادی را حل بکند، که نکرد. از همه مهمتر این که بالاخره معلوم نه کرد این ۱۵۰ میلیارد، ۲۰۰ میلیاردی دلاری که از جیب مردم رفته بود از جیب اقتصاد رفته برای فعالیت‌های هسته‌ای چه شد؟ که در برجام متوقف شد. کی هزینه این ۱۵۰-۲۰۰ میلیارد را باید به‌پردازد؟ این



باری که بر دوش اقتصاد ایران وارد شده است، اقتصاد را شکننده کرده است. به این ترتیب این قیمت، آوردن به این قیمت تا زمانی که آن دلال‌ها وجود دارند و تقاضا می‌کنند و درخواست می‌کنند و نیاز دارند، مثل یک معتادی که همینطور میزان مصرف‌اش خودش را می‌کشد بالا، آن نیاز را دارند، از یک طرف و از طرف دیگر این که دیپلماسی خارجی جواب نداده است و تهدیدهای امپریالیزم آمریکا سر جایش هستند. مقابله با امپریالیزم از طریق فقط سیاست‌ها و یا قدرت نظامی جواب نداده است، قدرت نظامی خودش تبدیل شده به یک نیاز برای تقاضای ارز. خودش تقاضای ناگهانی ارز را بالا می‌برد. یکی از تقاضاها همین است، که وقتی تهدیدهای نظامی میشود، هم دولت دلش می‌خواهد، که بنیه نظامیش را تقویت بکند و هم برای تقویت بنیه نظامی‌اش باید کارایی، تسلیحاتی وارد بکند، بی‌انصاف هم نیست. همین جا به‌گویم ایران هزینه‌های نظامی‌اش نسبت به بودجه کل کشور و نسبت به تولید ناخالص داخلی از خیلی از کشورها کمتر است. این را به‌گویم از عربستان سعودی حتماً کمتر است. ولی با وصف این، همان‌ها هم بر روی اقتصاد دارند تأثیر منفی می‌گذارند. از همه مهمتر اینکه آنها ابزار خوبی برای اینکه جلوی فشارهای امپریالیستی را به‌گیرد و کاپیتالیسم جهانی را به سر جای خودش به‌نشانند، نیست و نبوده. ابزار اصلی رضایت مردم است، همدلی‌های مردم است.

بهر تقدیر تا زمانی که در بر روی این پاشنه می‌چرخد، این ۴۲۰۰ تومان قابل نگره داشتن نیست. این ۴۲۰۰ تومان یک محاسبه ساده‌ای پشت‌اش بوده که این‌ها هم سعی می‌کنند این را یک شاهکار دانش جالی‌نوسی به حساب به‌آورند. تفاوت نرخ تورم داخل با نرخ تورم خارج در هر سال مثلاً ۱۸ درصد بوده، ۱۱ درصد بوده، این را در قیمت سال ۹۱، در قیمت ارز در سال ۹۱ ضرب کردن به همان اندازه بالا بردن شده ۴۲۰۰ تومان. در صورتی که این تفاوت‌های نرخ ارز باید عاملی باشند برای بالا بردن نرخ ارز تا قیمت واقعی بشود. صحبت من این است که از آقای رئیس‌جمهور، که به همه می‌گویند: حقوق‌دان نیستید، حرف نزنید. آقا! اقتصاددان نیستی این حرف‌ها را به‌گذار کنار! آقای جهانگیری هم اقتصاددان نیست، آن آقایان اقتصاددانان‌تان هم این بلا را سر اقتصاد ملی آوردند، چي دارید می‌گویند؟ این روش فقط برای این است که پایگاه و جایگاه خودت شناخته بشود و نه برای تعیین قیمت ارز. این روش در واقع تورم تحمیلی را به رسمیت می‌شناسد، پایه‌ای می‌کند برای تورم بعدی. این راهش نیست. اگر نمی‌توانید قیمت ارز را کنترل بکنید، یک مقدار برای این هست که دل به بازار دادید، خُب تو بازار اگر می‌خواهید کنترل به‌کنید، بکنید! اگر می‌خواهید نه‌کنید، نکنید! اگر می‌خواهید کنترل نه‌کنید، اگر بازارگرا هستید، میشود ۶۰۰۰ تومان، میشود ۷۰۰۰ تومان، اگر می‌خواهید کنترل کنید، باید بلد باشید! این

کنترل باید پشتیبانی مردمی داشته باشد، این کنترل باید همه‌جانبه باشد، این کنترل در شرایط فساد، در شرایط تبعیض، در شرایط اعمال قدرت قدرت‌مداران اقتصادی جواب نمیدهد! نمیتواند بدهد! به این ترتیب آن ۴۲۰۰ تومان پا برجا نمی‌ماند. من خبر دارم، البته نه مثل این، حتی جوانها متأسفانه، بعضی از جوانهایی که دل دادن به قیمت ارز و کی میره، کی میاد و مثلاً ۱۰۰ دلار ۵۰۰ دلار نگره داشتند، آن هم همه‌اش باهاش بازی بکنند، آنهم یک مقدار قابل فهم است، کم درآمدی. ولی معمولاً فریب‌خوردگی، احساسات‌گذرای پول پرستانه زمانه است. اما من نه مثل آنها، به سبک خودم در بازار حضور داشتم، دوستانم، شاگردانم خبر آوردند برای من از خیابان فردوسی، همان روزی که ۴۲۰۰ تومان اعلام شد، ۶ ساعت بعدش پشت پرده ۵۰۰۰ تومن ۵۲۰۰ تومن هم می‌فروختند. بعضی از این صراف‌ها، دلار را ۵۰۰۰ تومن ۵۲۰۰ تومن خریدند. نمی‌شود بهه او بگویی ۴۲۰۰ تومن بیا به‌فروش. اگر می‌خواهید یک دفعه با باتوم و پلیس به سراغ تعیین قیمت ارز بروید، خُب آن را به‌گویند. پس چرا تمسخر می‌کردید دولت روحانی را! سال‌های سال؟ آقایون مشاوری که در دولت روحانی هستید، چرا تمسخر می‌کردید کسانی را که نظارت را می‌پذیرفتند و طرفدار مقررات انتظام‌بخش به بازار بودند؟ به آنها می‌گفتید بلشویک هستند! به آنها می‌گفتید پُل پوت هستید! پس چرا الان که گیرافتادید، چنین می‌کنید؟ مثل جرج بوش پسر، هست که یک دفعه وارد بازار شد، وقتی بحران اقتصادی، آمریکا را فرا گرفت. یادم می‌آید که هوگو چاوز برایش نامه نوشت، گفت: «هی رفیق! اونجا چه خبره؟» همون رفیق سالیان سال تمسخر می‌کرد همه را. چرا در بازار دخالت می‌کنید؟ این مهد آزادی است؟ نه آقا! گرفتن آزادی دلال‌ها و زورگویان و واسطه‌هایی که پدر اقتصاد را دارند در میارورند. این به معنای در واقع تأمین آزادی مردم است. مردم فقیر، گرسنه یا. تحصیل‌کرده‌هایشان را به آن خرده دلال‌ها تبدیل کردن‌شان، یا تبدیل می‌شوند به مردمی که هیچ آزادی ندارند. از هر آزادی نابرخوردارند. نابرخورداری‌های عمومی به نابرخورداری آزادی می‌انجامد. به این ترتیب به دلایل مختلف، این سیاست‌ها نادرست هستند و نمی‌توانند به ثبات برسانند و پا برجا بمانند.

پرسش: من پرسش آخرم را با اجازه شما مطرح می‌کنم! نتایج و آثار این وضعیت، آنچه که در گذشته اتفاق افتاده و آنچه پیش‌بینی می‌شود در اقتصاد و زندگی اجتماعی و امنیت ملی چه می‌تواند باشد؟

پاسخ: به‌بیند تا آنجا که به قیمت‌ها مربوط است، این بحران ارزی حتی سیاست جدید دولت یک فشارهای تورمی را در آینده بوجود خواهد آورد. سال ۹۷ نرخ تورم حتماً از سال ۹۶ بالاتر می‌رود. این یک.

دوم: این سیاست تک‌نرخ کردن به منزله تخصیص ارزی کارآمد



در حاشیه سخنان زورگویانه و جنگ طلبانه مایک پومپئو، وزیر خارجه امریکا

مایک پومپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، امروز دوشنبه ۲۱ مه (۳۱ اردیبهشت) در اولین سخنرانی مهم سیاست خارجی خود در واشنگتن برای اعلام استراتژی تازه آمریکا در قبال جمهوری اسلامی مدعی شد که توافق هسته‌ای به دلیل «نقایص مرگ‌بارش» جهان را به خطر انداخته است. او گفت آمریکا فشار بی‌سابقه مالی به جمهوری اسلامی وارد خواهد آورد و هشدار داد که اگر جمهوری اسلامی مسیرش را عوض نکند، «شدیدترین تحریم‌های تاریخ» علیه این کشور وضع خواهد شد.

پمپئو با بیان اینکه جمهوری اسلامی در زمان برجام نفوذ خود را در منطقه افزایش داده، گفت: این توافق «پول خون» در اختیار قاسم سلیمانی گذاشته است. بنابر وزیر امور خارجه آمریکا، سپاه قدس ایران به طور مخفیانه در داخل اروپا عملیات تروریستی انجام می‌دهد. او به زندانیان دوتابعیتی و خارجی در ایران اشاره کرد و گفت آمریکا تلاش می‌کند زندانیان آمریکایی را به خانه برگرداند. او همچنین گفت: جمهوری اسلامی در طول اجرای برجام بزرگ‌ترین حامی تروریسم بوده است و مدعی شد که از القاعده حمایت کرده است. سلطنت‌طلبان و فرقه رجوی و نیروهایی از این دست از این سخنان گستاخانه و استعماری امپریالیسم آمریکا استقبال می‌کنند و مشوق تحریم اقتصادی و تجاوز نظامی به ایران هستند.

با وضعیت جدیدی که طبقه حاکمه آمریکا بوجود آورده است، خطر جنگ، که هیچ‌وقت از بین نرفته بود، افزایش یافته است. آمریکا به تقویت عربستان سعودی، اسرائیل، امارات متحده عربی

و عاقلانه نیست. عقل بازار، عقل همان سودجویی است که اقتصاد کشور را به اینجا و به بحران کشانید. این به منزله سیاست تخصیص منابع عاقلانه و برنامه‌ریزی شده نیست، به این ترتیب نمی‌تواند تبدیل به‌شود به نیرویی برای اینکه چرخ نیروی تولیدی را به‌چرخاند و به این ترتیب نمی‌تواند جواب بیکاری را بدهد. خُب نتیجه دیگرش این است که فشار بر روی محرومان و بیکاران و طبقه کارگر، به خصوص بخش‌های آسیب‌پذیر جامعه، مثل زنان کارگر، مثل جوانانی که قادر نیستند کار پیدا به‌کنند، زیاد خواهد شد. چشم‌انداز واکنشی نسبت به این وجود دارد، آن هم اعتراض‌های مردم است. اعتصاب‌هایی که در آینده در پیش خواهد بود. نارضایتی‌هایی که متبلور می‌شود در فعالیت‌های متفاوت. شنیدم یکی از علما گفته: این اعتراض به زنان برای حجاب ناشی از مشکلات اقتصادیست. ایشون دیگه از آن طرف افتاده. بعضی از اقتصاددانان زیاده‌روی می‌کنند، هر پدیده‌ای را می‌خواهند به‌گویند عامل اقتصادی دارد، بعضی از مارکسیست‌ها هم متأسفانه این کار را می‌کنند. کی مارکس این را گفته که هر پدیده‌ای، هر کاری بکنیم، ما به‌ازاءش بلافاصله یک پدیده اقتصادیست؟ این یک تحلیل طبقاتی داشته، حالا همیشه این اقتصاددان‌هایی که این قدر زیاده‌روی می‌کردند و هر پدیده‌ای را می‌خواستند دلایل عرضه و تقاضای کسل‌کننده، به قول شما، برایش پیدا به‌کنند، ما سرزنش می‌کردیم، و حالا یکی از علمای اعلام برجسته گفته، حتی اعتراض این خانم‌ها دلیل‌اش آن است. نه! این دلیل‌اش آن نیست. این‌ها به همدیگر مرتبط می‌شوند. نارضایتی‌ها به هم پیوستگی پیدا می‌کنند، چسبندگی پیدا می‌کنند، همدیگر را تقویت می‌کنند و شرایط را برای ارتقاء حضور اجتماعی زیاد می‌کنند. نارضایتی زنان برای اجرا و مخالفت‌شان با حجاب اجباری یک حق طبیعی است. حق آنهاست همان طور که طبقه کارگر حق دارد تشکل داشته باشد، حق دارد از حقوق بیمه، درمان و آموزش برخوردار باشد. اقتصاددان اینجا نباید دخالت بکند. این حقوق انسانیست. اقتصاددان باید یقه قدرت را بگیرد، که اینطور منابع را حیف و میل کردند. •

اگر پرسشی دارید من در خدمتم؟
خیلی متشکر! ممنون از فرصت و وقتی که در اختیار من قرار دادید!
من هم از شما متشکرم!

**با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب
مبارزه کرد**

موشک‌هایی، که قابلیت حمل سلاح هسته‌ای را دارند، متوقف کند.

۵. جمهوری اسلامی باید همه شهروندان آمریکا و همین‌طور شهروندان دیگر کشورهای هم‌پیمان ما را آزاد کند.
۶. جمهوری اسلامی باید حمایت از «گروه‌های تروریستی» را متوقف کند، از جمله حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی.
۷. جمهوری اسلامی باید استقلال عراق را به رسمیت بشناسد و اجازه دهد شبه‌نظامیان شیعه عراق خلع سلاح شوند.
۸. جمهوری اسلامی باید حمایت از حوثی‌های یمن را متوقف کند.
۹. جمهوری اسلامی باید همه نیروهای تحت‌امرش را از سوریه عقب بکشد.
۱۰. جمهوری اسلامی باید حمایت از طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی را در افغانستان پایان دهد.
۱۱. جمهوری اسلامی باید به حمایت نیروی قدس سپاه از گروه‌های تروریستی و هم‌پیمانان شبه‌نظامی‌اش پایان دهد.
۱۲. جمهوری اسلامی باید به تهدید همسایگانش، که بیشترشان هم‌پیمان آمریکا هستند، پایان دهد. از جمله تهدید ویران کردن اسرائیل و پرتاب موشک به عربستان و امارات.

وزیر امور خارجه آمریکا، پمپئو در پاسخ به سوالی درباره چارچوب مورد نظر آمریکا برای اعمال سیاست‌های تازه علیه جمهوری اسلامی ریاکارانه گفت: «در نهایت این مردم ایران هستند که برای حکومت جمهوری اسلامی چارچوب زمانی می‌گذارند. آنها هستند که باید رهبرانشان را انتخاب کنند.»

بیشتری بس است!

و اپوزیسیون خودفروخته ایران و تجزیه طلبان کُرد و آذری در ایران مشغول است، تا یک جنگ تمام عیار در منطقه ایجاد کند. آمریکا از ده هزار کیلومتر آنسوی کره زمین به خلیج فارس آمده، پایگاه نظامی ایجاد کرده، ده هزار سرباز آمریکائی را در قطر مستقر ساخته است، ولی این اپوزیسیون خودفروخته ایرانی از دخالت آمریکا در عراق، افغانستان، سوریه و یمن صحبتی نمی‌کند. آمریکا هرگز در این سیاست راهبردی خویش تغییری نداده بود، ولی آن را به خاطر وجود سوریه، لبنان و فلسطین که پشت جبهه ایران بودند و هستند به عقب انداخته بود، ولی اکنون موقع را برای یک حمله جدید و به علت شکست در سوریه، در یمن و در بحرین مناسب تشخیص داده است.

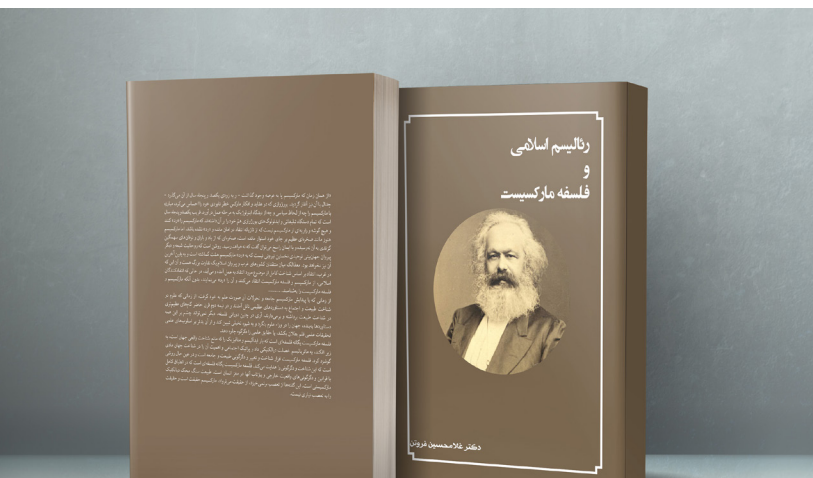
هیچ ایرانی مترقی و میهن‌دوستی نمی‌تواند با خواسته‌های زورگویانه آمریکا، که جنگ و خون می‌دهد موافق باشد. مردم ایران باید به دست خود این رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کنند، ولی برای اینکه مبارزه مردم انقلابی، مترقی و موثر باشد، باید از مضمونی ضدامپریالیستی، ضد صهیونیستی و دموکراتیک برخوردار گردد، تا خط تمایز آن از همان آغاز با حرکت‌های ارتجاعی و مداخلات بی‌شرمانه نمایان گردد. مردم ایران زیر بار هیچ زورگویی نخواهند رفت و در مقابل هرگونه تجاوزی خواهند ایستاد و پوزه متجاوزین را به خاک خواهند مالید و جز این نیز نخواهد بود.

در زیر خواسته‌های زورگویانه و یک‌جانبه آمریکا را می‌آوریم، تا خوانندگان گرامی پی به عمق سیاست‌های آمریکا در قبال ایران به‌برند و دریابند که تبلیغات کُر کننده خطر بمب موهومی اتمی ایران فقط بهانه بوده است و آنچه امپریالیسم آمریکا در پی آن است، تسلیم کامل ایران در تمام زمینه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی است. سخن بر سر سلطه بلامنازع امپریالیسم آمریکا است و جز این نیز نیست.

خواسته‌های آمریکا از جمهوری اسلامی

وزیر امور خارجه آمریکا گفت هر توافق تازه‌ای با جمهوری اسلامی باید دارای این شرایط باشد:

۱. جمهوری اسلامی باید همه جنبه‌های نظامی فعالیت‌های هسته‌ای قبلی‌اش را به آژانس اتمی اعلام کند.
۲. جمهوری اسلامی باید غنی‌سازی را به طور کامل قطع کند و هیچ‌وقت دنبال بازپردازی پلوتونیم نرود. این شامل بستن رآکتور آب سنگین هم هست.
۳. جمهوری اسلامی باید بی‌قیدوشرط به بازرسان آژانس اتمی امکان دسترسی به همه پایگاه‌ها در نقاط مختلف کشور بدهد.
۴. جمهوری اسلامی باید توسعه برنامه موشکی بالستیک و پرتاب



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتی با ما تماس حاصل فرمائید



جبهه خلق برای آزادی فلسطین

قتل عام درغزه، نمایشی از ماهیت واقعی صهیونیسم و
امپریالیسم

گفتگوی کمیته رسانه‌ای جبهه خلق برای آزادی فلسطین با خالد
باراکات، نویسنده چپ فلسطینی
ترجمه و تکثیر از روابط بین‌المللی حزب کار ایران (توفان)

در روز ۱۴ ماه مه ۲۰۱۸، نیروهای اشغالگر اسرائیلی بر روی
تظاهرات وسیع فلسطینیان بمناسبت «روز نکبت - فاجعه» و «مارش
بزرگ برای بازگشت» - برای حق بازگشت - و شکستن محاصره
نوار غزه آتش گشودند و ۶۱ فلسطینی را به قتل رساندند، رفیق خالد
باراکات، نویسنده چپ فلسطینی، در بحث با کمیته رسانه‌ای جبهه
شرکت کرد و گفت:

«آنچه در غزه اتفاق افتاد، قیامی است برای پایان دادن به اشغال
فلسطین توسط اسرائیل و برای شکستن محاصره ۱۱ ساله غزه

اقتشار مردمی در فلسطین، نقش خود را در این مبارزه احیا کردند و
سرنوشت این مبارزه را خود به دست می‌گیرند، چون شاهد تلاش‌های
مستقیم آمریکا، اسرائیل و ارتجاع عرب برای نابودی حقوق ملی
خلق فلسطین هستند».

باراکات می‌گوید:

«مردم فلسطین در غزه مسئولیت شکست محاصره غزه توسط اسرائیل

را خود به دست گرفته اند. نقش اقتشار مردمی با شرکت گسترده
جوانان و زنان در این مبارزه نشان داده شده است و موجب غنای
فضا برای توسعه خلاقانه اشکال مبارزه، از پرواز بادکنک‌ها تا پرتاب
سنگ و تا بازگرداندن نشاط و درس‌های چندین انتفاضه، از جمله
انتفاضه بزرگی که ۳۰ سال پیش تولد یافت و در حال رشد و توسعه
است، شده است.... تظاهرات وسیع مردمی در غزه و به گلوله‌بستن
مردم غیر مسلح، همزمان شد با جشنی برای افتتاح سفارت آمریکا
در پایتخت اشغالی فلسطین، شهر بیت‌المقدس. فلسطینی‌ها این
حرکت ایالات متحده و دولت ترامپ را به عنوان یک حمله مستقیم
به خود، به ویژه حقوق آنها در پایتخت اشغالی می‌بینند.»

به گفته باراکات:

«امروز، مثلث تعرض و تجاوز که مردم فلسطین با آن روبرو هستند،
همان است که همواره وجود داشته است - امپریالیسم، صهیونیسم و
رژیم‌های ارتجاعی عرب. امروز این تعرض، در رابطه‌ی بین ترامپ،
نتانیاها و محمد بن سلمان - محور واقعی شر - متجلی می‌شود. در
تقابل با این مثلث است که مردم ما در غزه طی یکماه و نیم گذشته
دست به تلاش‌های قهرمانانه و شجاعانه تحت شعار بازگشت و
شکستن محاصره غزه زده اند....» «مشارکت وسیع مردمی که
بمراتب بیش از تعداد «طرفداران جناح‌ها» است، نشان دهنده خشم
عمومی و مقاومت علیه محاصره غزه و تمام اجزا و شرکا در این امر،
به ویژه نقش کثیف تشکیلات خودگردان فلسطین در رام‌الله است،
تشکیلاتی که مردم غزه را با هدف ایجاد انفجار داخلی و تجزیه و
خلع سلاح مقاومت تحت فشار قرار داده است. اما درعوض توده
مردم این را به موج قیام علیه دشمن واقعی تبدیل کرده و اصول پایه‌ای
آرمان فلسطین - بازگشت و رهایی - را اعتلا بخشیده داده است.»

باراکات اظهار میدارد که:

«این جنبش، منعکس‌کننده خرد توده‌هاست، که پایه مقاومت مسلحانه و مردمی فلسطین را تشکیل می‌دهند. اگر به یاد داشته باشید، در سال‌های ۲۰۰۹، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴، پس از فداکاری‌های بزرگ و قهرمانی توده‌های فلسطینی، قرار بود که محاصره برداشته شود. با این حال، پس از هر تجاوز و جنگ، محاصره شدیدتر و وحشیانه‌تر شده است. به اصطلاح «تضمین‌های مصری»، که در پایان هر جنگ داده شد، وعده‌های توخالی بیش نبودند و اسرائیل هرگز هیچ یک از آنها را عملی نکرد».

باراکات خاطرنشان می‌کند که:

«پیام ما امروز به جهان این است، که نقش به اصطلاح «جامعه جهانی»، به ویژه نقش آمریکا و اروپا - یعنی قدرت‌های امپریالیستی را، که مسئول تحکیم و تداوم صهیونیسم و استعمار در منطقه هستند، افشا کند. ما همچنین بر اهمیت افشای دروغ پراکنی‌های رسانه‌های وابسته و رسمی غرب، که تلاش می‌کنند مبارزه برسر مسئله بیت‌المقدس را به مسئله رقابت مذاهب تبدیل کنند و قتل عام در غزه را «درگیری» به‌نامند، تأکید می‌کنیم. علاوه بر این، این مسئله مهم است، که نباید برای به ظاهر مورد خوشایند و قابل قبول قرارگرفتن توسط همین رسانه‌ها، دیدگاهی نادرست در مورد آرمان فلسطین، با به حداقل رساندن اصول و خواسته‌هایی که ده‌ها هزار فلسطینی هم اکنون در مقابل آتش گلوله‌های سربازان ارتش صهیونیستی دست به تظاهرات می‌زنند و ۷۰ سال است که برای آنها مبارزه می‌کنند، ارائه شود.

همانطور که خودگذشتگی زیادی در این مبارزه وجود دارد، همانطور هم ما شاهد همبستگی ملی و اجتماعی هستیم. ممکن است به نظر برسد که مردم ما در غزه امروز به تنهایی مبارزه می‌کنند، اما جوامع فلسطینی چه در لبنان و سوریه و اردن، چه در تبعید و یا آواره در هر گوشه جهان، چنین احساسی را ندارند. موج مقاومت توده‌ای جدید، با یک وحدت توده‌ای، نه با وحدت ظاهری و رسمی، همراه است. این وحدت عظیم عاطفی که فلسطینیان آنرا احساس می‌کنند، باید به یک وحدت عمل مادی تبدیل شود.

برای مثال در این هفته، ما شاهد فراخوان متحد برای عمل در اکثر جوامع فلسطینی بوده‌ایم. ما شاهد اقدامات خودجوش، توسط فلسطینی‌ها از جریان‌های مختلف سیاسی هستیم. بنابر این، مردم فلسطین، برخلاف گزارش رسانه‌های وابسته، از هم جدا نیستند.

آنچه امروز در غزه اتفاق می‌افتد نیز یک تودهنی و انتقاد صریح به سرمایه‌داران فلسطینی در رام‌الله است. در اینجا است که ما ماهیت

تناقضات درونی خلق فلسطین را می‌بینیم. ۹۹ درصد از فلسطینی‌ها در تضاد با یک درصد از فلسطینیانی که سعی دارند به نمایندگی از آنها سخن به‌گویند قرار دارند، در حالی که برای منافع حقیر خودشان چانه می‌زنند.

فلسطینی‌ها امروز با چالش‌های بزرگ مواجه هستند اما این اولین بار در تاریخ مبارزه آنها نیست که با چنین وضعی روبرو می‌شوند. این بخشی است از آنچه تمام مردم منطقه آنرا تجربه می‌کنند - استیلا و تشدید تعرض توسط آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی و تلاش برای تغییر مبارزه ضداستعماری میان مردم عرب و اسرائیل به سوی ایجاد اختلاف میان مردم عرب و ایران.

خروج ترامپ از توافقنامه هسته‌ای ایران - تلاشی تازه برای حمله به ایران - نشان می‌دهد، که ایالات متحده حتی به حرف خودش هم احترام نمی‌گذارد و هر قراردادی را در زمان مناسب و با خوشحالی و هر زمان که منافع‌اش ایجاب کند، نقض خواهد کرد. ترامپ نه تنها آینده مردم ایران را تهدید می‌کند، بلکه منافع سرمایه‌داران اروپا و آمریکا را هم تهدید می‌کند.

در این زمینه و به دلیل این واقعیت‌ها، امروزه لازم است که یک جبهه متحد مقاومت ملی، که دربرگیرنده مقاومت قهرآمیز باشد، با یک استراتژی متحد ملی، که از طریق مشارکت توده‌ای بدست آمده است، ایجاد شود. مشارکت آزاد در مبارزه آزادی‌بخش وظیفه و حق مردم فلسطین است.

امروز از همه فلسطینیان خواسته می‌شود تا مسئولیت خود را به‌عهده بگیرند و اولین وظیفه بازپس‌گیری اعتبار از مقاماتی است که خود را نماینده مردم فلسطین جا می‌زنند و تلاش می‌کنند به نام مردم فلسطین قرارداد امضا کنند. برای انجام این کار باید فضائی برای وسیع‌ترین مشارکت فلسطینی‌ها و همچنین وسیع‌ترین مشارکت و اتحادهای عربی و بین‌المللی ایجاد کنیم.»

۱۶ ماه مه ۲۰۱۸

**تجاوزگران استعمارگر باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند
صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است**

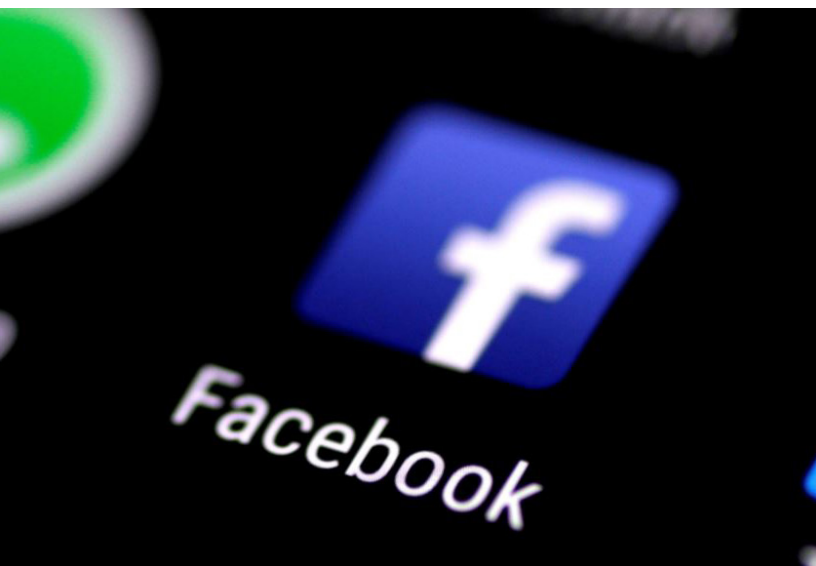


گزارشی از سالگرد تولد کارل مارکس در شهر تریر آلمان

شهر، استاندار استان، یکی از نمایندگان شهر و دوسه تن دیگر با سخنرانی‌های خسته کننده خود از او «تجلیل» کردند.

پشت جایگاه ویژه مهمانان رسمی، بیش از ۱۰۰۰ نفر از شهرهای مختلف آلمان حضور داشتند. در سمت راست حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ تن از احزاب چپ آلمان، از جمله حزب کمونیست آلمان با پرچم‌های سرخ ایستاده بودند. در انتهای جمعیت شرکت‌کنندگان غیررسمی نیز تعدادی از مخالفین مارکس با شعارها و تراکت‌های خود گاه‌گداری مزاحمت ایجاد می‌کردند. در هوای آفتابی و نسبتاً داغ تمامی مردم با دوربین‌های در دست منتظر پرده‌برداری از تندیس این آموزگار بزرگ بودند. سخنگویان همگی از کارل مارکس، نه به عنوان آموزگار زحمتکشان و کمونیست‌های جهان، که در تئوری و عمل قدم در راه جهانی بدون استعمار نهاد، بلکه به عنوان یک فیلسوف و فرزند شهر تریر، که چند اثر فلسفی از خود به جای گذاشته است و با کمک مالی و همیاری رفیق و هم‌زمش انگلس به شهرت بی‌نظیری قائل شد، معرفی گردید. پس از پایان سخنرانی‌های بی‌محتوا، همزمان که پرده سرخ رنگ از پیکر کارل مارکس گشوده می‌شد، تمامی مردم از این صحنه به یادماندنی، عکس می‌گرفتند و یا فیلمبرداری می‌کردند. شاید قصد آن داشتند که به فرزندانشان و به نسل‌های آینده هدیه دهند.

پنجم مه سال ۲۰۱۸ شهر کوچک تریر Trier، واقع در استان راینلند فالس آلمان، زادگاه کارل مارکس، شاهد برگزاری مراسمی با هدف تجلیل از دویستمین سالگرد تولد وی بود. فعالین حزب کار ایران (توفان) در این مراسم حضور فعال داشتند. بزرگداشت دویستمین سالگرد تولد کارل مارکس با صدها اما و اگر از طرف سیاستمداران و مسئولین برگزار شد. ابتکار این مراسم و هزینه آن را «حزب کمونیست چین» به عهده گرفته بود. تندیس کارل مارکس به وزن دو تن و سیصد گرم و به بلندی ۵،۵ متر در میدان زیمونس پلاتز، یکی از میادین نه‌آنچنان بزرگ، اما در نزدیکی خانه محل تولدش و در وسط میدان نصب شد. اطراف میدان را پلیس محاصره کرده بود و تمامی افرادی را که قصد حضور در این مراسم داشتند، کنترل می‌کرد. سرتاسر تندیس را با پارچه‌ای قرمز رنگ پوشانده بودند. در روبروی تندیس و در برابر چشمان کارل مارکس ۱۵۰۰ تن از مقامات دولتی و احیاناً حزبی، که رسماً دعوت شده بودند، حضور داشتند. تنی چند از جمله نماینده «حزب کمونیست چین» شهردار



گشت و گذاری در فیسبوک پاسخ به یک پرسش

پرسش: به نظرم روسیه در شرایط کنونی مردمی‌ترین و پی‌گیرترین کشور مدافع صلح و ملل در خاورمیانه است و نقشی را که در حمایت از ممالک ضعیف ایفا می‌کند، بی‌همتاست. انتقاد به روسیه به خاطر برخی از ضعف‌ها یا اشتباهات‌اش در شرایط کنونی به نفع جنبش صلح و خلق‌های منطقه نه خواهد بود. دفاع روسیه از سوریه و در هم شکستن داعش بسیار مثبت است. حزب شما در اینباره چه می‌گوید؟ آیا از روسیه در مقابل آمریکا دفاع می‌کند یا خیر؟

پاسخ: باید قبل از هر چیز ماهیت صلح‌طلبی نیروهای امپریالیستی را که برای حفظ مناطق نفوذ خود در موضع تدافعی و یا ضعف هستند و در شرایط کنونی از درگیر شدن با امپریالیست‌های غربی، به سرکردگی آمریکا اجتناب می‌ورزند، دقیق‌تر روشن کنیم، تا مدافعین صلح و نیروهای واقعاً ضد امپریالیستی بتوانند بطور صحیح از این شکاف‌ها سود به‌جویند، بدون اینکه به زانده و پیاده نظام آنها، مثلاً روسیه و چین و یا سایر دولت‌ها تبدیل شوند.

یکم اینکه، شما روسیه را «مردمی‌ترین کشور در خاورمیانه» و مدافع سرسخت ملل می‌دانید!! اما فراموش می‌کنید که همین روسیه در چند سال اخیر به رهبری پوتین و برای اطمینان از مرزها و حوزه نفوذ روسیه به دنبال تضمین یک‌پارچگی بیشتر سیاسی - نظامی با امپریالیسم آمریکا و اتحادیه اروپا بود. با همین هدف امپریالیستی بود که پوتین پایگاه‌های نظامی روسیه و خطوط تدارکاتی را برای نیروهای نظامی آمریکا و اتحادیه اروپا درگیر در حمله و اشغال افغانستان باز کرد و

سه مسئله نظر ما را به خود جلب نمود. شاید نیمی از شرکت‌کنندگان غیر دعوتی را خارجیان و به خصوص زنان و جوانان تشکیل می‌دادند. نکته دیگر که خیلی هم به چشم می‌خورد، حضور همسایگان و اهالی این میدان بود، که با پنجره‌های باز، با دوربین‌های در دست و با خوشحالی بی‌نظیری از هر طرف شاهد برگزاری این مراسم و پرده‌برداری از فرزند شهرشان بودند. نکته دیگر، بر روی تراکت‌هایی که توسط احزاب حمل می‌شد، چیز روشنی و ندای خاصی به چشم نمی‌خورد.

حزب کار ایران (توفان) تنها حزبی بود که بر روی تراکت‌هایش نه فقط عکس مارکس، بلکه در کنار او تصاویر انگلس، لنین و استالین نیز نقش بسته بود و این تنها موردی بود که در کنار تندیس کارل مارکس نظر بسیاری از شرکت‌کنندگان را به خود جلب نمود. به جز یک تن که با دیدن عکس استالین در کنار مارکس به فعالین حزب کار ایران (توفان) پرخاش نمود، بقیه شرکت‌کنندگان و به خصوص خبرنگاران و عکاسان دستگاه‌های فیلم‌برداری را متوجه تصاویر چهار تن کرده بودند و تعدادی نیز با دیدن این تصاویر دست می‌زدند.

خدمات ارزشمند مارکس و آنچه او برای نجات بشریت از فقر و استثمار به جای نهاده است، ارزشی جاودانه دارد. گرچه مارکس از کمون پاریس، که پرولتاریا در آن شهر دو ماه قدرت را در دست داشت، پشتیبانی نمود، ولی بر آن بود که کمون ثابت کرد که طبقه کارگر به سادگی و بدون ابزار لازم قادر نیست ماشین دولتی را به چنگ آورد. لذا برای نقش «حزب پرولتاریا» در مبارزه علیه بورژوازی اهمیت ویژه و اساسی قائل بود. مارکس و هم‌منظور هم‌رزم او انگلس بر این باور بودند که حاکمیت حزب کمونیست در دولت پرولتاریا همان حاکمیت پرولتاریاست زیرا پرولتاریا از حزب‌اش جدا نیست. ●



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید

موافق تضعیف نقش ایران در سوریه است و از همین روی آگاهانه برای منافع‌اش در قبال حمله نظامی اسرائیل، علیه نیروهای ایرانی در خاک سوریه سکوت کرده است. روسیه خواهان ایرانی در سوریه، که تحت کنترل او باشد و به‌تواند آن را مهار کند، است. نباید فراموش کرد که قریب به سه میلیون اتباع یهودی روسیه و جمهوری‌های شوروی سابق پس از فروپاشی اتحاد شوروی به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند و روسیه بارها گفته است که متعهد به حفظ امنیت اسرائیل می‌باشد. بسیاری از این یهودیان در مناطق شهرک‌نشین‌های تاراندۀ شده فلسطینی مستقر شده‌اند. حتماً می‌دانید که رژیم صهیونیستی اسرائیل هم به تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه نه‌پیوسته است و روابط سیاسی و اقتصادی گسترده و چربی با روسیه دارد. آیا اینها همه سبب نشده است که روسیه به خاطر منافع‌اش در قبال رژیم آپارتاید و اشغالگر اسرائیل و بمباران‌های اخیر چشم به‌بندد؟ هم‌دستی با متجاوزین صهیونیست و هارترین رژیم در خاورمیانه، که خطر جدی برای تمام خلق‌های منطقه است، مایه ننگ است و این از ماهیت امپریالیستی روسیه می‌تراود و جزاین نیست! اما استفاده از تضادهای امپریالیست‌ها و یا اردوی دشمن در شرایط مشخص سیاسی، جهت تضعیف و به عقب‌راندن دشمن بزرگ‌تر و خطرناک‌تر و دفاع از استقلال ملی و تمامیت ارضی ممالک تحت تعرض سیاستی صحیح می‌باشد و حزب پرولتاریا نمی‌تواند نسبت به چنین نزاعی بی‌تفاوت باشد. از این روی حزب ما در شرایط مشخص سوریه نقش روسیه در درهم شکستن قوای متجاوز و مافوق ارتجاعی داعش را، که به مثابه پیاده نظام غرب برای سرنگونی رژیم سوریه به خاک این کشورگسیل شدند، مثبت ارزیابی می‌کند. بحث نظری در مورد ماهیت امپریالیستی یا سرمایه‌داری روسیه و چین را می‌توانید از طریق لینک‌های زیر دنبال کنید: •

<http://www.toufan.org/Toufan20%eletro-niki/T-E20127%-pdf>

<http://www.toufan.org/Toufan20%eletro-niki/T-E129-.pdf>

<http://toufan.org/Ketabkhaneh/Hezb20%Tideh20%170805>

با تسلط رویژونیسم بر حزب طبقه کارگر ماهیت پرولتاری حزب تغییر میکند

مخالفتی با تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا علیه ایران نکرد. پوتین علی‌رغم روابط اقتصادی طولانی روسیه و بغداد، به هجوم آمریکا و اشغال وحشیانه عراق تن در داد. او به پنج قدرت «نظارت» بر مذاکرات صلح بین فلسطین و اسرائیل پیوست و با حمایت یک‌جانبه و اشتگتن با رژیم صهیونیستی همراه شد. هم روسیه و هم چین به خاطر منافع اقتصادی و تجارت با غرب حتا به بمباران لیبی، تحت عنوان «منطقه پرواز ممنوع» و «دخالت بشردوستانه» چراغ سبز نشان دادند و در این فاجعه سهیم شدند. طبیعی است آنها که دل در گرو «چین سوسیالیسم و روسیه ضدامپریالیست بورژوازی ملی» دارند، چنین سیاستی را نه ناشی از ماهیت امپریالیستی این دو کشور بل از اشتباهات آنها برمی‌شمارند!!! و به ماستمالی کردن آن می‌پردازند.

مراد ازاین اشاره کوتاه این است که در مورد صلح‌خواهی روسیه و یا چین نباید غلو شود، ضمن اتخاذ تاکتیک‌های صحیح و هدف‌گرفتن امپریالیسم آمریکا، به عنوان دشمن عمده بشریت در شرایط کنونی، که سیاست درستی است، وظیفه داریم در عین حال ماهیت صلح‌طلبی امپریالیست‌ها را که سر بزنگاه‌ها ممالک ضعیف را قربانی منافع خود می‌کنند، افشا سازیم. صلح‌خواهی را در سرشت نظام سوسیالیستی تبلیغ کنیم و آنها که مردم را به دنباله‌روی دعوت می‌کنند و ماهیت واقعی نزاع کنونی را کتمان می‌سازند، رسوا سازیم. کارگران و زحمتکشان روسی حق دارند علیه سیاست‌های هار سرمایه‌داری نئولیبرالی، که حیات‌شان را هدف گرفته است، مبارزه کنند و تحت رهبری حزب واقعی طبقه کارگر نظام سرمایه‌داری روسیه را براندازند و سوسیالیسم را مستقر سازند.

دوم اینکه نتانیاهو، نخست وزیر رژیم متجاوز و صهیونیست اسرائیل، قبل از این رویارویی مستقیم با نیروهای ایرانی و بمباران پایگاه‌های سوریه، برای شرکت در جشن هفتاد و سومین سالگرد پیروزی ارتش سرخ بر آلمان نازی، به مسکو سفر کرد و مورد استقبال گرم پوتین قرار گرفت و در کنار وی به تماشای رژه ارتش روسیه نشست!!!!. پرسش این است: آیا پوتین کشتار اخیر جوانان فلسطینی، توسط صهیونیست‌ها را، که طبق رسانه‌های غربی بیش از ۹۰ نفر بوده و صدها مجروح به جای گذاشته است، محکوم کرده است؟ آیا دولت روسیه بمباران‌های چند سال اخیر در سوریه را، که به بیش از ۱۲۰ و به گفته ناظران قریب به ۲۰۰ مورد است، محکوم کرده است؟ آیا بمباران نیروهای جمهوری اسلامی، متحد رژیم سوریه توسط اسرائیل تصادفی بوده و نخست وزیر اسرائیل در دیدار با پوتین سخنی در مورد طرح بمباران‌اش نگفته است؟ آیا اسرائیل خبر نداشت که آمریکا از بگرام خروج می‌کند و اسرائیل قصد حمله به پایگاه‌های ایران و سوریه را دارد؟ به نظر ساده‌انگارانه است هر آئینه تصور شود که روسیه از این داستان بی‌خبر بود. واقعیت این است که روسیه



Telegram
The world's fastest messaging app.
It is free and secure.

پرسش و پاسخ در تلگرام

پرسش: آیا درست است که آمریکا به لحاظ اقتصادی، تکنولوژی و فن آوری به لحاظ در اختیار داشتن حربه دلار به مثابه ارز مبادلاتی بر جهان مسلط است و به همین دلیل هرگاه قصد تحریم کشورها با توجه به قدرت آمریکا ناچار به اجرای فرامین او هستند؟

پاسخ: درگیری‌ها و تضادهای کنونی به طور عمده ریشه در منافع و تضاد های اقتصادی کشورها (صدور کالا و جنگ اندازی بر مواد معدنی، به خصوص انرژی‌زا). بویژه میان آمریکا، چین، اتحادیه اروپا، هند، ژاپن و روسیه دارد. این را هم اضافه کنیم که علل وقوع جنگ‌های اول و دوم جهانی نیز ریشه در همین مسائل بویژه تقسیم مجدد جهان داشتند. البته در رابطه با مناقشات کنونی و شدت و حدت آن، نباید فشار اسرائیل و نقش لابی بسیار قوی صهیونیست‌ها را در حزب جمهوری خواه آمریکا و به طریق اولی ترامپ و تیم‌اش از دیده فروگذار.

در رده بندی اول: تولید ناخالص داخلی کشورها، که بر مبنای دو مولفه قیمت کالاها و قدرت خرید محاسبه می‌شود، آمریکا در رده نخست، چین دوم، ژاپن سوم و آلمان چهارم قرار دارند.

در رده بندی دوم: تولید ناخالص داخلی، که بر حسب برابری قدرت خرید محاسبه می‌شود، چین در رده نخست، آمریکا دوم و هند و ژاپن و آلمان سوم هستند. فراموش نکنیم که قدرت اقتصادی واقعی کشورها به طور عمده به حجم صدور کالا بستگی دارد.

در این رابطه در رده بندی صادرات کالا:

- چین با ۲۷/۲ تریلیون دلار رتبه اول
- اتحادیه اروپا و در راسش آلمان با ۲۵/۲ تریلیون دلار در رتبه دوم

- آمریکا با ۵۹/۱ تریلیون دلار در رتبه سوم قرار دارند.

گرچه آمریکا در بسیاری از صنایع و تکنولوژی و فناوری‌های گوناگون حرف اول را می‌زند، ولی در برخی از رشته‌های مهم، نظیر اتومبیل‌سازی، صنایع ظرفه، فناوری تولید انرژی جایگزین و ... از اروپا، چین و ژاپن عقب افتاده است.

به دیگر سخن، به خاطر همین عقب افتادن از قافله است که ترامپ شمشیر را از رو بسته است و می‌خواهد با جبران مافات این فاصله را هرچه سریع‌تر به پیماید، که البته موفقیت‌هایی هم داشته است. از این منظر ترامپ و تیم‌اش به عنوان نماینده سرمایه‌داری امپریالیسم آمریکا، حق دارند که با وضع کردن تعرفه‌های گمرکی - بر خلاف قواعدی که خود در چارچوب سیاست‌های نئولیبرالی سازمان تجارت جهانی به سایر کشورها حقه کردند و اقتصاد برخی از آنها را به تباهی کشاندند - به چین و اروپا اعلام جنگ اقتصادی کنند و عملاً به سیاست حمایت از تولید داخلی روی آورند. او باید مشکل ایران در منطقه را آنچنان بزرگ جلوه دهد و برجام را به خاطر «ادامه فعالیت‌های سلاح هسته‌ای ایران!» زیر سوال به‌برد و حتی آن را لغو کند، تا به‌تواند صدها میلیارد دلار اسلحه به کشورهای خاورمیانه بفروشد، به اروپا لطمه اقتصادی به‌زند، روسیه را تحریم کند، تا جلوی فروش گاز این کشور به اروپا را به‌گیرد و گاز فرکینگ گران خود را به‌فروشد و...

با توجه به شرایط فوق نمی‌دانیم که قدرت‌های اقتصادی نظیر چین و اروپا و هند و ... تا کی و تا کجا در مقابل شانتاژها و زورگویی‌های آمریکا تمکین خواهند کرد؟ مخالفت اروپا، چین، روسیه در رابطه با لغو برجام، مقاومت و تمهیدات اروپا برای حفظ منافع شرکت‌های خود در رابطه با تحریم‌ها، مقاومت چین و اروپا در رابطه با تعرفه‌های گمرکی ترامپ و ... حاکی از سرپیچی آن‌ها در مقابل این

زورگویی هاست.

اما آنچه مربوط به وابسته بودن تجارت جهانی به دلار آمریکا می شود، مایلیم به چند نکته اشاره کنیم.

اول جولای ۱۹۴۴ در «برتن وودز» ۴۴ کشور جهان ارزش برابری ارزش را با دلار معین کردند. «هاری اسکروایت» در این نشست پیشنهاد استفاده از دلار را، بمثابة ارز تجارت بین المللی، عرضه کرد و در عین حال قرار شد که آمریکا طلا را به قرار هر اونس ۳۵ دلار پشتوانه آن قرار دهد. اما در سال ۱۹۷۱ نیکسون، رییس جمهور وقت آمریکا، خودسرانه پشتوانه برابری هر اونس طلا با ۳۵ دلار را ملغی کرد و به این ترتیب دلار از پشتوانه ساقط و به کاغذی سبز تبدیل شد. بد نیست در همین رابطه به این نکته اشاره کنیم که حجم تجارت جهانی در طول حیات ۷۰ ساله سازمان تجارت جهانی ۳۴۵ برابر شده است. در عین حال افزایش حجم دلار در سطح جهان به آمریکا امکان می دهد، بیش از مقداری که کالا صادر می کند، وارد کند. به این ترتیب از سال ۱۹۷۱ تاکنون کسری طراز تجارتی این کشور به ۸ تریلیون دلار رسیده است. مضافاً اینکه دولت آمریکا به عنوان بزرگترین بدهکار جهان، ۱۹ تریلیون دلار بدهکار است. و چین با ۲/۱ تریلیون دلار بزرگترین طلبکار دولت آمریکا به شمار می آید. اما علی رغم این امروز هزینه نظام این کشور ۶۲۰ میلیارد دلار، ۴۰٪ هزینه های نظامی کل جهان است.

از اینرو بسیاری از کشورها به فکر ایجاد نظام پولی دیگر افتاده اند. اتحادیه اروپا در ۱۹۸۹ بانک مرکزی اروپا را تأسیس کرد. امروز بانک مرکزی اروپا ۳۰٪ از ذخایر خارجی را به خود اختصاص داده است. بنیانگذاران یورو بدون تردید آرزوی کاهش سرکردگی مطلق دلار در عرصه تجارت جهانی را در سر می پروراندند.

از زمان بحران مالی ۲۰۰۸ بسیاری از کشورها در پرداخت ارز مبادلاتی تجدیدنظر کرده اند. بسیاری از کشورها امروز به جای استفاده از ارز مبادلاتی در تجارت بین المللی به «پیمان پولی جدید» روی آورده اند. بدین صورت که از ارز کشورهای مبداء و مقصد معامله بجای دلار و یورو استفاده می کنند. امروز کره جنوبی حداقل با ۵ کشور و چین با ۳۶ کشور از سیستم «پیمان پولی جدید» استفاده می کنند. چین و روسیه برای مقابله درازمدت با نقش دلار، به عنوان ذخیره ارزی، در پی به وجود آوردن «سویفت» SWIFT (ارتباط جهانی بین بانکی) جدید هستند. در حال حاضر بیش از ۷۰۰۰ موسسه در ۱۹۷ کشور جهان عضو SWIFT هستند که مرکز آن در بلژیک است.

چین و روسیه در عین حال مبادلات تجاری خود را از طریق «سواپ» SWAP (معامله پایاپای ارزی دو کشور) نیز آغاز کرده اند که امکان ۲۵ میلیارد دلار خرید و فروش کالا در سال را به آنها می دهد. همچنین چین از سال ۲۰۰۹ با استفاده از سیستم «سواپ» با

۲۰ کشور دیگر مبادلات تجاری انجام می دهد. پنج کشور برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی - بریکس BRICS - در سال ۲۰۱۴ در «فورتالزای» - برزیل - یک بانک و یک صندوق ذخیره مشترک با ۵۰ میلیارد سرمایه اولیه بنا نهادند. اتحادیه جدیدی از ۱۱ کشور آمریکای لاتین نیز تحت نام «اتحادیه بلوار خلق های آمریکای ما» - ALBA - بوجود آمده است.

موقعیت تورمی دلار که از عدم پشتوانه و نیز حجم عظیم بدهی دولت آمریکا، که بیش از ۱۰۰٪ تولید ناخالص ملی کشور است، ناشی می شود، ذخائر دلاری بسیاری از کشورها را در معرض نابودی قرار داده است. از این منظر فکر ایجاد نظام پولی دیگری غیر از دلار برای بسیاری از کشورها الزام آور شده است.

گرچه گام هایی در این مسیر پیموده شده است، ولی ایجاد نظام مالی جهانی یک شبه صورت پذیر نیست. و از آنجا که هنوز از طرفی بسیاری از کشورها هم ذخائر ارزی دلاری دارند و هم صاحب اوراق قرضه دولتی آمریکا هستند و از طرف دیگر هنوز بسیاری از مبادلات کالا از طریق دلار و در نتیجه اکثراً از طریق بانک های آمریکائی انجام می گیرد، دولت آمریکا قادر است با اعمال حربه تحریم زور به گوید و به مصاف رقبا برود. ولی تردید نداریم که این حربه رو به کند شدن است.

اما هنوز قدرت کاذب دلار و نیز زرادخانه بی حد و حصر نظامی آمریکا به آنها اجازه زورگویی و ارباب و تجاوز به حقوق ملل را، که پیوسته شاهد آن هستیم، می دهد. حتی اگر آمریکا در زمینه صنعت، تجارت، فن آوری و... قدر قدرت هم باشد، موازین بین المللی، حقوق ملت ها و در نتیجه احترام به استقلال و تمامیت ارضی کشورها و حقوق بشر به هیچ کشوری، حتی آمریکا حق دخالت و زورگویی و تجاوز نمی دهد. باید در مقابل این زورگویی ها مقاومت کرد. چه از جانب ملت ها، چه از جانب دولت ها و چه از جانب هر عنصر آزادی خواه و دموکرات. جهان نیاز به ژاندارم بین المللی ندارد. مبارزه با استبداد حاکم، که لیست جنایات و سیاه کاری ها و غارت ها و ماجراجویی ها و سرکوب هایش و... بی حد و مرز است، وظیفه مردم ایران است. آن دسته از روشنفکران انگلوار آمریکن که از بعد از نطق وزیر امور خارجه آمریکا، پمپئو از شادی و شعف در پوست خود نمی گنجند، خوب است به نتیجه دخالت ها و تجاوزات به کشورهای خاورمیانه، که در مقابل چشم ماست، نظری به افکنند.

سرتگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی،

به دست مردم ایران

فرخنده باد هفتاد و سومین سالروز پیروزی بر فاشیسم

نهم ماه مه، هفتادوسومین سالروز جشن پیروزی بر فاشیسم است. پیروزی بر دیو فاشیسم برای تمام بشریت دارای اهمیت تاریخی بسیار بزرگی است. درهم شکسته شدن قدرت‌های فاشیستی، به خلق‌های دربند امکان داد تا به آزادی و استقلال نائل آیند، شرایط مناسبی برای پیروزی سوسیالیسم در عده‌ای از کشورها و برای اعتلاء جنبش آزادی‌بخش انقلابی و ملی، برای تکان‌دادن و فرو ریختن سیستم مستعمراتی پدید آید.

جهان کار و ترقی، مبارزه عظیم خلق‌های اتحاد جماهیر شوروی استالینی را برای درهم شکستن فاشیسم و سپس برای برقراری صلح عادلانه، برای برقراری جامعه مشترکی از ملت‌ها بر اساس تساوی حقوق، عدم مداخله و همکاری، که از تهدیدات امپریالیستی، اعمال فشارها و ارباب میری باشد، ارج گذاشت و اکنون نیز مانند گذشته ارج می‌گذارد.

در سالروز جشن تاریخی پیروزی بر فاشیسم، مطبوعات، رسانه‌های امپریالیستی، زمام داران شارلاتان و دروغ‌گویان این کشورها در نوشته‌ها و نطق‌های خود به مناسبت این واقعه تاریخی حتی کلمه‌ای هم درباره مردی، که در زمان جنگ در رأس دولت شوروی و ارتش سرخ قرار داشت و بزرگترین نبردها را علیه ارتش هیتلری سازمان داد و خلق‌های شوروی را به نبردی افسانه‌ای و توده‌ای برانگیخت، بر زبان نمی‌آورند. جهان سرمایه و همه رویزیونیست‌ها، تروتسکیست‌ها و شبه تروتسکیست‌ها درباره رفیق استالین و نقش عظیم و تعیین کننده رهبری او در جنگ ضد فاشیستی سخن نمی‌رانند. تو گوئی چنین واقعه تاریخی و چنین رهبری، که هدایت کننده این نبرد ضد فاشیستی بود، وجود نداشت.

اما همه می‌دانند که بسیج مردمی و ضد فاشیستی رهبری اتحاد شوروی در جنگ کبیر میهنی، سازمان دادن و رهبری نبرد افسانه‌ای ارتش سرخ، که قدرت نظامی آلمان نازی را نابود کرد و بر آن پیروز شد، با نام استالین عمیقاً درآمیخته است. میلیون‌ها تن از زنان و مردان خلق‌های شوروی در میدان‌های نبرد بر خاک افتادند، در حالی که نام استالین را بر لب داشتند. تصویر و اندیشه‌های او منبع الهام و پرچم مقاومت ضد فاشیستی خلق‌های شوروی و جهان بود. بنابر این احمقانه است از جنگ میهنی اتحاد شوروی و پیروزی بر فاشیسم سخن گفت، اما از نام و نقش استالین یاد نکرد، آن طور که رهبران امپریالیست‌های غرب و دشمنان ریز و درشت استالین می‌کنند. استالین و انقلاب اکبر، استالین و جنگ میهنی و مارکسیسم - لنینیسم از هم جدائی ناپذیرند.

جشن هفتادوسومین سالروز پیروزی بر فاشیسم فرصتی است تا بار دیگر به علل و انگیزه حوادثی پرداخت که موجب بروز فاشیسم و تجاوز به خلق‌ها گردید. فاشیسم فرزند سرمایه‌داری و امپریالیسم است و برای پیش‌گیری از تکرار این فاجعه تاریخی باید به بسیج توده‌ها و نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه علیه بربریت امپریالیسم کمر همت بست. اکنون امپریالیسم آمریکا با مدرن‌ترین و مهلک‌ترین سلاح‌های مخرب خود، هارترین و خطرناکترین دشمن بشریت است و باید در مقابل آن ایستاد. خطر تجاوزات جدید از جانب امپریالیسم آمریکا افزایش می‌یابد و سیاست تجاوزکارانه و راهزانه آمریکا، که جای رژیم فاشیستی هیتلر را گرفته است، خطرناک است. باید با آن مقابله کرد. وظیفه همه نیروهای ضد امپریالیست و ضد فاشیست است که تجاوزات مستقیم و نیابتی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم به سوریه، عراق، افغانستان، لیبی، فلسطین و یمن را محکوم نمایند و به دفاع از پیکار عادلانه خلق‌ها علیه آمریکا و متحدین جنایت‌کارش بپردازند. این پیکار قوای امپریالیست‌ها، بویژه امپریالیسم آمریکا، را تضعیف می‌کند و شرایط شکست‌اش را فراهم می‌گرداند.

باشد که جشن هفتادوسومین سالروز پیروزی بر فاشیسم انگیزه‌ای گردد تا تمام خلق‌ها و نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه علیه صهیونیسم و امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا متحد و بسیج شوند و همه مدعیان سلطه فاشیستی و تجاوزگری بر جهان را با شکست و نابودی مواجه گردانند. ●





www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
POSTBANK						
bank code 20110022						
bank account No.: 25773372600						
IBAN: DE70201100222573372600						
P.O. BOX 1138						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						